

از کلیه نهاد های صنفی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مهاجر افغان در سطح جهان و بخصوص در قاره اروپا صمیمانه دعوت بعمل می آوریم تا با در نظر داشت اصل وحدت ملی، اخوت اسلامی و تهذیب افغانی با پیوستن به فدراسیون پناهندگان افغان در اروپا آرزوی دیرینه پناهندگان افغان را برآورده سازید.

نشریه فدراسیون انجمن های پناهندگان افغان در هالند (FAVON)



تشکیل فدراسیون پناهندگان افغان در اروپا را به جامعه مهاجر افغان در سطح جهان و بخصوص قاره اروپا تبریک و تهنیت میگوییم



فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا تشکیل گردید

گردید، باز هم با توجه به تقاضای اساسنامه و برنامه انتخاب هشت تن اعضای هیأت اجراییه در دستور کار اجلاس قرار گرفت. ریاست اجلاس از حاضرین در تالار دعوت نمود تا هر یک از اعضای این اجلاس که متعهد به انجام وظایف پیشبینی شده برای این هیأت میباشد و یا اشخاصی را که صاحب صلاحیت تشخیص میدهند نامزد نمایند، به تعداد شانزده تن از اعضای اجلاس یا خود و یا شخص مورد نظر خویش را کاندید این هیأت نمودند که پس از رأی گیری با اصولب های دیموکراتیک یعنی رأی آزاد، سری و مستقیم بتعداد هشت تن به ترتیب ذیل برنده این انتخابات شناخته شدند:

- ۱- محترم احمد راتب فقیری
- ۲- محترم محمد شاه فرهود
- ۳- محترمه پروین سرابی
- ۴- محترم سید نظام الدین وحدت
- ۵- محترم نبی هوشمند
- ۶- محترم استاد محمد ابراهیم سروش
- ۷- محترم لاهو
- ۸- محترم رفیع نیکو

بدینگونه کار تشکیل فدراسیون پناهندگان افغان مقیم اروپا به پایان رسید و در ختم این اجلاس قطعنامه بداخل (۷) ماده با رأی حاضرین اجلاس بتصویب رسید که متن آن در همین شماره آئینه خدمت هموطنان گزارش میشود.

بقیه در ص ۱۲

از تاریخ ۲۹ سپتمبر ۲۰۰۰ میلادی الی اول اکتوبر، اجلاس مؤسس فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا به دعوت و میزبانی کمیته اجراییه و کمیته مشورتی برای تشکیل این فدراسیون و با شرکت چهل و سه سازمان صنفی، اجتماعی و فرهنگی و یک سوم همین کمیته شخصیت های مستقل ملی و اجتماعی جامعه پناهندگان افغان مقیم اروپا، در انستیتوت تماس قاره ها واقع در شهر سوستربرخ هالند انعقاد یافت. اجلاس مؤسس طی سه روز کاری اساسنامه و برنامه فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا را که از سوی کمیته اجراییه و کمیته مشورتی کار تدارک و تشکیل اجلاس مؤسس بصورت طرح پیشنهادی به اجلاس مؤسس پیشکش گردید، مورد بحث و بررسی همه جانبه قرار داده و پس از وارد نمودن تعدیلات لازمه، ماده وار به رأی حاضرین اجلاس گذاشته شد که با اخذ رأی به تصویب رسید. بمنظور تطبیق و تحقق مفاد اساسنامه و برنامه فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا، ایجاد دو ارگان دایمی و فعال برای این فدراسیون در اساسنامه و برنامه پیشبینی گردیده بود که الزاماً در دستور کار اجلاس مؤسس قرار گرفت. ابتدا برای ریاست فدراسیون پناهندگان افغان در اروپا محترم احد عزیززاده رئیس فدراسیون انجمن های پناهندگان افغان مقیم هالند به حیث یگانه کاندید مناسب از سوی اعضای اجلاس به هیأت رئیسه پیشنهاد گردید، که پس از انجام رأی گیری به اتفاق آراء موصوف به حیث اولین رئیس فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا انتخاب



خانم فرح کریمی عضو پارلمان هالند حین ایراد بیانیه

علل انحطاط کنونی جامعه افغانی و ضرورت وحدت ملی

سید نظام الدین وحدت

استثمار انگلیس به طور واحد و یکپارچه صف آرایی نمایندگان و بدور یک قاعد جمع بشوند درحالیکه اگر به تاریخ هند نظر انداخته شود جدال های خونین در سده های پسین میان مسلمان و هندو از یکطرف و سک و هندو از طرف دیگر چنان این جامعه را متلاشی و آکنده از عقده و نابرابری ساخته بود که کمتر کسی باور میکرد که این اقوام روزی بتوانند به هم اعتماد کنند، درخشش و دست آورد های امروز ملت هند حاصل مبارزات یکپارچه این ملت بزرگ است، این است حاصل خرد یک ملت که تحسین همگان را برانگیخت و در نتیجه استقلال آتشخور را به ارمغان آورد، اوضاع متشنج آن مرحله از تاریخ هند یعنی سالهای پیش از استقلال شباهت های زیادی به اوضاع کنونی کشور ما دارد با فرق اینکه در هند آئروز میان مسلمان و هندو انگلیس ها جدال، دشمنی و نفاق ایجاد کرده بودند همانطور که امروز میان اقشار و اقوام کشور ما پاکستان، ایران و دیگران فتنه میسازند از این شناخت به این نتیجه میرسیم که آنچه که میسر است انسان بدان نیازمندتر است از همین جهت است که در انسان شناسی تاکید میشود آنچه که صرفاً در محدوده

اساساً عواملی که میتواند بازده آن منجر به آزادی و شگوفایی یک جامعه انسانی گردد، ایجاد و استحکام نهاد های دیموکراتیک در آن جامعه است. رسیدن یک جامعه به آن مقام تنها و تنها از راه بسیج همگانی توده مردم آن جامعه میسر است، اگر مردم یک جامعه بتوانند الگو و هدف واحدی را انتخاب و اختیار نمایند نیازی ندارند که ایدیولوژی و انگیزه واحدی داشته باشند چه بسا که در تاریخ حیات بشر بودند و هستند جوامع که با پندار ها و دیدگاه های مختلف راه واحدی را طی کرده اند و میکنند در حالی که در طرز دید و سلیقه های شان تفاوت های زیادی وجود داشته و دارد، چنین جوامعی از راه توحید و تشخیص خواسته ها و ترجیح علویت ها نیازمندی های علویت دار را مورد توجه و موافقت قرار داده بطوریکه حقوق مساری همه افراد آن جامعه تأمین و تضمین گردد. در تاریخ الگو های فراوانی ازین نوع را داریم که بارزترین آنرا پنجاه سال قبل از امروز در هند بزرگ مشاهده می کنیم و می بینیم که ملت کثیرالنصب هند که متشکل از دیانت ها، مذاهب و فرهنگ های مختلف بوده اند و هستند چگونه قادر گردیدند تا در مبارزه استقلال طلبانه شان به مقابل



جریان رأی گیری روی مواد اساسنامه فدراسیون اروپایی

عکاسی: شیر آقا شیرزی

د افغانانو د اروپايي فدراسيون تاسيس

د ملی وحدت په لور کی یو مهم تاریخی گام

اروپايي فدراسيون د زمان د ضرورت په حکم تاسيس شو. په ورستيو کلونو کېنې د اروپا په اتحاديه کېنې د پناه غوښتونکو د پالیسي منفي انکشافات او په تیره بیا د افغانستان د پاره د کار د عالی گروپ مواضع د تشوېش وړ بلل کېږي. د اروپا د اتحادیې هغه د کار عالیرتبه گروپ چه د افغانستان د پناه غوښتونکو دپاره جوړ شوی ده، غواړي چه افغان پناه غوښتونکو ته په پاکستان او یا بل ګاونډی هیواد کېنې د اقامت شرایط برابرې کړي. دا گروپ چه High Level Working Group On Afghanistan نومېږي د هالنډ د عدلیه وزارت د معین ښاغلي Cohen په لارښوونه، د دغه نامناسب او افغانی ضد پلان سره بوخت دی. نو د دغه وضعی سره د مبارزی دپاره د افغانانو اروپايي فدراسيون تاسيس او تشکیل یو لوی ضرورت وه چی وکولی شی د یو ستر او وسیع ارگان په حیث، په مختلفو اروپايي هیوادونو کېنې د افغانانو د اوږده بی سرنوشتی دوری پر ضد اعتراض او په اروپايي سطح د افغانانو د ټولنیز حقوقو څخه دفاع وکړي. د پورتنیو اهدافو د پلی کولو د پاره په اروپا کېنې د افغان پناه غوښتونکو د ټولنو فدراسيون FAROE بنسټ د سپر کال د اکتوبر د میاشتې په لمړی نیټه د هالنډ د سوسټربرخ په ښار کېنې کښېښودل شو. د دغه فدراسيون بنسټ ایښودونکی ټولنی او شخصیتونه د هالنډ، آلمان، انگلستان، فرانسې، سوېس، سوېدن، بلجیم، ایتالیا او اطریش څخه په سوسټربرخ کېنې سره راټول شوی وه او هغه برخه لیک او کرنلاره تعدیل او تصویب کړه چه د دغه فدراسيون د جوړولو دپاره د اجرایی او مشورتی کمیټی لخوا جوړ شوی وه. FAROE چه یو ټولنیز او کلتوری فدراسيون ده، د افغانستان د گروهی سیاست سره هیڅ ارتباط نلری او اهداف یې په درو ټکو کېنې خلاصه کیدای شی؛ په اروپا کېنې د افغان پناه غوښتونکو د ټولنیزو گټو څخه دفاع، د افغانی هویت او فرهنگ ساتنه او وده، د ملی وحدت لسمول او ځوانان د افغانستان د بیا ودانولو دپاره چمتو کول. د دغه فدراسيون جوړیدل نه یواځی په اروپا کېنې د افغان پناه غوښتونکو په تاریخ کېنې یی ساری ده، بلکه د نورو هیوادونو پناه غوښتونکو ته هم یو ښه مثال بلل کېږي. په اروپا کېنې د اوسیدونکو افغانانو ترمینځ د افغانی لوی میراث د ساتلو او د دی دپاره د افغانی ټولنو د کوشنونو همآهنگ کول، په اروپا کېنې د افغانی پناه غوښتونکو د ټولنو د فدراسيون یوه بله مهمه ډنده ده. FAROE غواړی چه زمونږ د ملت فرهنگی شتمنی چه د افغانی پوهانو، ادیبانو، شاعرانو او نورو هنرمندانو په وجود کېنې اروپا ته منتقل شوی ده، وساتل شی، ځوانان او کمکیانوته انتقال ورکړی شی او زمونږ د فرهنگی شتمنیو د ودی دپاره هم زمینه برابره شی.

علل انحطاط کنونی...

بقیه از ص ۱

در هر يك از مراحل تاريخ تكاملش واقعيت هاى خاص زمان خود را دارد و هرگز يك دوره تاريخ با دوره ديگر قابل مقايسه نبوده و تيست آنچه را كه از گذشته ميتوان الهام گرفت تجربيات و دريافت سير تكاملی و وجودی يك جامعه است كه به انسان امروز كمك ميكند تا خشتی را كه او قرار است بر آن بنا بگذارد، بداند كه اين خشت را روی کدام تهداب و خشت ديگر ميگذارد تا بتواند مصونيت و معقوليت مساعی خود را تأمين كند اين مثال هم در ضمير معنوی جامعه و هم در ساختمان مادی جامعه يکسان صادق است در حالیکه ضرور نیست در شکل کار و نوعیت مسأله مورد استفاده فرد امروز روش و یا سلیقه فرد و یا جمع دیروز را تعقیب کند بلکه همین قدر کافی است كه ميراث دیروز را محترم بشمارد و برباد ندهد مثل بنا های عظیمی كه روزی ارزش مادی و معنوی يکسان داشته اند ولی امروز صرفاً ارزش معنوی دارند در عین حالیکه ديگر سلیقه، فن و شكل معماری آن ساختمان های دیروز، امروز مورد استفاده قرار نمی گیرند ولی این ميراث به عنوان ميراث تمدنی و فرهنگی گرامی داشتنی است و این هويت است ساده تر ميگويم از حوزه تاريخ و تمدن خارج ميشويم از زمان خود مصداق مياوريم در روزگار ما با انكشاف علم بشر كار به آنجا كشيده است كه در نظام طبيعت نيز انسان قادر به مداخله است آنهم چه مداخله ای تا آنجا كه در تغيير و تحول

نظامی جوی بشر امروز ذیدخل است باز ساده تر ميسازيم، دهقانی كه بر روی قطعه زمينی به زراعت ميپردازد حتی در همان كشور عقب مانده ما همواره در تلاش است تا به دگرگونی متوسل شود، نوعيت و كيفيت كشت خود را متمول سازد، بناً ازین بحث چنین نتیجه ميگيريم كه در روش و ساختمان يك جامعه هم نبايد مطلقاً سنت گرايانه و با تعصب برخورد كرد بلكه بايد دگرگونی ايجاد نمود و ساختار های قرسوده سنتی را به كمك تجربيات و پويه های علمی جديد تعويض كرد.

امروز جامعه ای افغانی متأسفانه هنوز هم در انجماد و سردرگمی دچار افت هولناکی است، تعصب و عقده های كور كورانه ناشی از محروميت های دردناك كه سالهای متمادی در این سرزمين بيداد كرده و ميكند جامعه افغانی را چنان بیمار و متلاشی ساخته است كه جستن از انحطاط كنونی را نيز دشوار می نماياند ولی آنچه از این همه رنج و اندوه نصيب ما گرديده است و ما بدان اميد بسته ايم آن اينكه فراز و نشيب های این دوره از تاريخ ما بايد هسته تفكر ما را به جولان آورده باشد و فرصت اندیشه را برای ما ايجاد كرده باشد تا به نقش خویش به حيث بخشی از جامعه ای بشری دقيق تر شويم و چاره های لازم را دريابيم و بكار گيريم كه اميدوارم این فرصت به سان گذشته از دست نرود.

و اما ضرورت وحدت ملی :

كشور ما مثل بسیاری از كشور های جهان قلمروی است متشكل از اقوام، مذاهب و زبانهای گوناگون حتی فرهنگ های متعدد، و از سوی ديگر از كارنامه های دولتمردان گذشته نيز بی عدالتی های اجتماعی را به ارث گرفته است. پس در چنین جامعه ای وجود خواست های گوناگون نيز طبیعی است به جای انكار حقوق و خواسته های هريك از این مجموعه ها ببايست با واقع بینی و مدارا به تحقق خواسته های آنها پرداخت، بايد از تجارب كشور های ديگر كه از اقوام و فرهنگ های مختلف تشكيل يافته اند و با مدارا و مسالمت و حسن هم زیستی با هم حیات بسر كرده و ميكنند آموخت، نبايد به آن عده از تضاد ها و اصطكاك های كه از گذشته به ميراث مانده مجال داد تا تحريك و تشديد شوند، اكر بدنبال زندگی سعادتمند و حفظ دست آورد ها و ارزش ها باشيم يگانه راه آن تأمين و تقويت وحدت ملی است و باز كمر همه ما زیر بار عظیمی از تجارب تلخ گذشته خم شده است، بدیختی های امروز ما اكر معلول آن در ماورای مرز های ما جستجو شده ميتواند يقيناً علت آن را كج اندیشی ها و غفلت های خود ما تشكيل ميدهد.

اكتون كه تير دشمنان به هدف اثابت كرده است و نفاق بر ما تحميل كشته است این رسالت تعلل ناپذير هر فرد و بخصوص منورين و روشنفكران این جامعه است تا جلو امتداد این فاجعه را بگيرند و نگذارند پيش ازین جامعه ما متلاشی گردد، نبايد نشست و تن به ذلت داد و شاهد امحای كامل وحدت و هويت ملی بود، با توجه به این بينش علمی كه حرکت تاريخ را محصول آگاهی و عمل انسان می شناسد ما را به این واقعيت ميرساند كه تغيير يك جامعه ممكن نيست مگر اينكه افراد آن جامعه خود را مسوول سرنوشت خویش بدانند و در تغيير و تحول آن به جهت مثبت با ترك غفلت و بطالت گام عملی بردارند. با تأسف در وضعیت ناهنجار فعلی تعصبات نابكار قومی، زبانی و ستمی روز تا روز گسترش ميبابد، این افیون كشنده نه تنها در داخل كشور بلكه در خارج از كشور گريبانگير جامعه افغانی است، شيوع بدبینی و نفاق حتی محيط روشنفكری ما را نيز آلوده ساخته است. فضای آگنده از بدبینی تعصب و کوتاه بینی چون موربانۀ ما را از داخل متلاشی ميكند اينكه این وضعیت ما را به كجا ميبرد جداً قابل اندیشه است.

بنابر این نفی و نادیده گرفتن هيچ گروهی قومی، زبانی، منطقوی و قشری و حتی يك فردی ازین ملت نه عملی است و نه به مصلحت كل جامعه افغانی.

افغانستان خانه مشترك همه اقوام و اقشار این سرزمين است و همه دارای حق مساوی و مسووليت برابر اند.

ای افغانهای كه با افتخار از اجداد و نياكان تان ياد ميكنيد مگر رمز پيروزی و غلبۀ نياكان تان را بر دشمنان قوی پنجه چون اسکندر يونانی، چنگيز مغول، امپراطوری انگليس و

اتحاد شوروی سابق جز وحدت ملی چيز ديگری بود؟ پس چرا و چه عواملی نايرۀ جنگ و خونريزی جاری را در كشور ما دامن ميزندند و فروزان نگه ميدارند، هيژم این آتش را چه کسانی و از كجا مياآورند؟ چه مشكلاتی بر سر راه است كه مصالح اولیای وطن را ناكام ميسازد و اميد ها را به یأس مبدل ميكند، مگر این عوامل بسیار قوی تر از اراده يك ملتی با آن سابقۀ درخشان تاریخی است كه به رغم اشتیاق و نیاز ميليونها انسان به صلح و امنيت هم چنان اراده شمار اندکی دست پرورده دشمن و یا دشمنان خارجی بر مقدرات ما هم چنان مسلط است. ای افغانهای آزاده و با خرد كجاييد در میان شما و سعادت تان کسانی مانع و حایل اند كه در مقايسه با انگليس ها و روسها به شمار هيچ اند، بی شبهه عوامل ادامه دهندۀ این جنگ ناروا و تحمیلی در مقايسه با كتله های ميليونی كه به حیات صلح آميز نیازمند اند بسیار ناچيز اند، اكر اراده ملت ما به حرکت و جنبش بيافتد این عوامل در برابرش خاشاکی بيش نيست و صاحب غرضان خارجی هم اكر ملت واحدی را در برابر خود بيابند موقع و فرصت شرارت را نخواهند يافت، مسببين جنگ و خونريزی و آنهایی كه هيژم این آتش را فراهم ميكنند به تنهایی مقصر نيستند بلكه ما افغانها نيز به حيث يك ملت كه از تير و قدرت اراده خود بی خبريم و به بدخواهان مجال ميدهيم تا در سرزمين ما این همه جنايات را به سهولت به انجام رسانند مقصریم، بحران جاری در كشور ما با گذشته هر روز ابعاد وسیع تر منطقوی و جهانی پیدا ميكند تا جاييكه تعدادی از دول و مفسرين آشنا به مسايل امروزۀ افغانستان از مبدل شدن دوبارۀ این كشور به بستر مناقشات منطقوی و حتی جهانی سخن ميگویند، تحديد اخير روسيه مبنی بر تجاوز هوایی و راکتی و بدنبال آن اظهارات نفاق افكنانه و گستاخانۀ جنرال مشرف حاكم نظامی پاکستان كه برده از نيات ناپاك این دولت ها برميدارد از نشانه های این روند است.

از آنطرف كوشش های ملل متحد عملاً به بن بست رسیده است و موقف این سازمان جهانی در قبال قضیۀ افغانستان در حالۀ از ابهام قرار دارد. انشعابات اجتماعی و سیاسی كه طی دو دهۀ اخير رواج يافته است هم چنان با قوت به جهت منفی سير ميكند، نبود الگویی واحد ملی و پراكندگی حلقات روشنفكری در خارج از كشور كه در چنین فرصتی به نیروی آنها نیاز است مردم افغانستان را به شدت نا اميد ساخته است كه اميدوارم برای هر يك ازین نارسایی ها و تنگناها هرچه زودتر راه حل های مناسبی پیدا شود، آنچه را كه تأكيد ميكند آن اينكه صلح تحفه داده نمی شود بلكه با قربانی و مردانگی بدست آورده ميشود.

اظهار سياس

بدینوسیله از آنهمه عزيزان و دوستان بيشماری كه از هالنډ و خارج از آن در ایام مريضی ام چه در شفاخانه و چه در منزل با عيادت، ارسال كارت ها، نامه ها، پیام های تلفونی و ارسال گل، جهانی از محبت روا داشته جویای احوالم گرديده اند صميمانه اظهار سپاس و منت گذاری مينمايم.

از خداوند متعال برای همه شان سلامتی كامل و مؤفقيت های بيشمار آرزو دارم.

احد عزيززاده

بخش مالی:

کمیته اجرائیه در عرصه مالی و تدارکاتی تا این لحظه از کمک های بیدریغانه فدراسیون انجمن های پناهنده گان افغان مقیم هالند بهره مند بوده و در کار تدارک و تمویل اجلاس حاضر نیز سهم این فدراسیون به عنوان یگانه منبع تأمین کننده نیاز مالی این اجلاس، حایز اهمیت بسزایی است. البته باید توضیح داد که کنفرانس اروپایی مهاجرت و مشارکت به عنوان پروژه فدراسیون هالند از سوی این فدراسیون تقاضای سبسادید گردید ولی اجلاس مؤسس که خارج از حوزه تشبثات فدراسیون هالند بوده و دارای يك قاعده اروپایی است نمی توانست با همان فورمول قبلی تمویل شود، هزینه این اجلاس را فدراسیون هالند به عنوان واسطه تأمین نموده که بعد از تشکیل فدراسیون اروپایی اسناد مصرف آن قابل انتقال است.

بخش فرهنگی:

در نشست مشترک هر دو کمیته مشورتی و اجرائیه قرار شد مجموعه مقالات کنفرانس مهاجرت و مشارکت غرض آگاهی و استفاده هموطنان ما در اسرع وقت چاپ و بدسترس قرار گیرد، همچنان پیش بینی گردید در صورت مهیا شدن امکانات ویژه نامه ای بمنظور تبلیغ اهداف فدراسیون اروپایی انتشار یابد که بدلیل تنگنا های مالی و فنی انتشار آن تحقق نیافت، اما کار ترتیب و انتشار مجموع مقالات کنفرانس اروپایی مهاجرت و مشارکت تحقق یافت که اینک در دسترس است.

بخش تبلیغاتی:

کمیته اجرائیه در ختم جلسات سه روزه کنفرانس مهاجرت و مشارکت در حالیکه گزارش روزمره جلسات کنفرانس از رادیو های صدای امریکا، بی بی سی و آلمان انتشار یافت، گزارش مختصری از کار کنفرانس را به رادیو صدای امریکا و بی بی سی مخابره نمود که از رادیو صدای امریکا اقبال نشر یافت. همچنان گزارش مفصلی از جریان جلسات، مصوبات و مقالات کنفرانس بطور وسیع و ویژه ای در شماره دوم آیینیه ارگان نشراتی فدراسیون انجمن های پناهنده گان افغان در هالند با تصاویر رنگه از جلسات بدست نشر سپرده شد و به ادامه آن در شماره های بعدی آیینیه بخش دیگری از مقالات کنفرانس مهاجرت و مشارکت و بخصوص اطلاعیه ای مطبوعاتی که از جانب کمیته اجرائیه بمنظور دعوت عام از هموطنان مقیم اروپا بخصوص سازمانها و حلقات برای پیوستن به مساعی برای تشکیل فدراسیون اروپایی صادر گردیده بود به نشر رسید. اعضای کمیته اجرائیه با استفاده از امکانات شخصی خویش با تعدادی از شخصیت های سرشناس از جمع مهاجرین افغان مقیم اروپا و در مواردی در سطح جهان تماس های تلفونی و کتبی برقرار نموده آنانرا در جریان مساعی جاری گذاشتند و خواستار نظریات و پیشنهادات مشخص آنها در زمینه شدند که خوشبختانه مورد استقبال قرار گرفت. همچنان ماهنامه پیام وجدان منتشره کانادا با مدیر مسوولی فرهنگی شناخته شده کشور مان عبدالاحد ترکمنی در سرمقاله یکی از شماره های پیام وجدان مساعی برای تشکیل فدراسیون اروپایی را به عنوان الگوی مناسب برای مهاجرین افغان در سراسر جهان پیشنهاد نموده و سطور را پیرامون آن نگاشته است و هم چنان در کار ویرایش و تنظیم مجموعه مقالات کنفرانس اروپایی مهاجرت و مشارکت سعی بلیغ نموده اند. ماهنامه های پیغام، دریخ و تفاهم از کشور هند، کیوان افغان از ایالت متحده امریکا، زرنگار از کشور کانادا، فردا مربوط کلوب قلم از سویدن و شماری دیگری از نشرات بیرونمرزی نیز پیام های حسن نیت شانرا انتشار داده اند که درین قسمت به نمایندگی از کمیته اجرائیه از مدیران مسوول نشرات یاد شده ابراز سپاس و امتنان می نمایم. همچنان از رادیو و تلویزیون آسای که طی چند مرحله گزارشات مفصلی از مساعی برای تشکیل کنفرانس اروپایی مهاجرت و مشارکت را به نشر رسانیده اند از همه دست اندرکاران آن و بخصوص از آقای نبی هوشمند و نصیر رحیم اظهار امتنان می نمایم.

در ده ماهی که از تشکیل کمیته اجرائیه میگذرد بیست و یک جلسه کاری اعضای کمیته اجرائیه تشکیل گردید که به موضوعات مختلف و از جمله تدارک اجلاس حاضر می پرداخت.

تشکیل نمود، اعضای هر دو کمیته از جمع حاضرین کنفرانس کاندید و انتخاب گردیدند. کمیته مشورتی از جمع شخصیت های بانفوذ و نماینده گان نهاد های کشور های مختلف تشکیل گردید که اینک جهت آگاهی شرکت کنندگان این اجلاس با شکوه، اسامی ذوات محترم را یادآور میشوم.

- ۱- محترم لطیف ناظمی از کشور آلمان
- ۲- محترم داکتر سید زبیر صدیقان از کشور آلمان
- ۳- محترم داکتر عزیز گردیزی از کشور آلمان
- ۴- محترم داکتر رسول رحیم از کشور آلمان
- ۵- محترمه دکتورس مریم اتمر از کشور آلمان
- ۶- محترم فاروق فارانی از کشور آلمان
- ۷- محترم دکتور محمد شریف شریف از کشور فرانسه
- ۸- محترم منان اچکری از کشور فرانسه
- ۹- محترم ولی لاهو از کشور هالند
- ۱۰- محترم محمد ولی از کشور دنمارک

و اما کمیته اجرائیه، اعضای این کمیته که کلاً از کشور هالند کاندید و انتخاب شده اند موظف گردیدند تا طرح اساسنامه و برنامه فدراسیون افغانان مقیم اروپا را با مشورت و هم آهنگی با کمیته مشورتی جهت ارائه به اجلاس مؤسس تهیه و زمینه تدارک و تشکیل اجلاس مؤسس را فراهم آورند که اینک جهت آگاهی حضار گرامی اسامی اعضای این کمیته را یادآور میشوم.

- ۱- محترم احد عزیززاده رئیس کمیته
- ۲- محترم احمد راتب فقیری عضو
- ۳- محترم نبی هوشمند عضو
- ۴- محترم سید نظام الدین وحدت عضو
- ۵- محترم محمد شاه فرهود عضو
- ۶- محترمه حریر فقیری عضو
- ۷- و اینجانب پروین سربابی عضو

با توجه به موقعیت اعضای کمیته اجرائیه و امکانات کشور هالند به عنوان میزبان کنفرانس اروپایی مهاجرت و مشارکت و همچنان اجلاس مؤسس فدراسیون افغانان مقیم اروپا مجموعه وظایف خطیری به عهده این کمیته گذاشته شد که اینک اجراء ده ماهه این کمیته را خدمت حضار گرامی گزارش میکنم.

کمیته اجرائیه در ظرف سه ماه اول سال ۲۰۰۰ میلادی موظف به تشکیل نشست مشترک هر دو کمیته مشورتی و اجرائیه مطابق پلان قبلی گردید. درین نشست پیش نویس برنامه و اساسنامه فدراسیون اروپایی و تدابیر مربوط به تشکیل اجلاس مؤسس مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با وارد نمودن تعدیلات و تغییرات در اساسنامه و برنامه مسوده آن جهت ارائه به مجلس حاضر آماده گردید. یکی دیگر از وظایف مهم این کمیته را ایجاد ارتباطات وسیع تر با تمام حلقات و سازمانهای صنفی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مهاجر افغان مقیم اروپا تشکیل میداد تا زمینه دعوت و شرکت آنها در این مساعی و بخصوص حضور شان در اجلاس مؤسس تأمین گردد. اعضای کمیته اجرائیه هر کدام به نوبه خود و بصورت جمعی تعداد از سازمانهای جدیدی را شناسایی نموده از طریق تلفون، فکس و نامه ارتباطات را با آنها تأمین نمودند که اینک خوشبختانه شماری از نهاد ها و شخصیت های مستقلی را که در کنفرانس اروپایی مهاجرت و مشارکت شرکت نداشتند در این تالار در جمع خود داریم. در هنگام ارسال دعوتنامه ها سعی همه جانبه بعمل آمد تا هیچ يك از نهاد های پناهنده گان افغان مقیم اروپا از دست دعوت نیفتند و از اعمال هرگونه سلیقه و ذهنیت نسبت به نهاد ها و اشخاص جداً اجتناب ورزیده صرفاً هویت افغانی، موقعیت پناهنده گی و کارایی نهاد ها و اشخاص مدنظر بوده است.

در عرصه روابط خارجی رئیس کمیته اجرائیه با توجه به شناخت ها و امکانات قابل ملاحظه خویش کوشیده است تا برخی از نهاد های خارجی علاقمند به امور پناهنده گان را در جریان مساعی جاری گذاشته و وعده های از آنها به جهت حمایت مادی و معنوی برای تشکیل فدراسیون اروپایی بدست آورد.

بیانیه اسامی محترم احد عزیززاده رئیس فدراسیون انجمن های پناهندگان افغان مقیم هالند FAVON عنوانی اجلاس مؤسس فدراسیون اروپایی که توسط محترم احمد راتب فقیری منشی FAVON قرائت گردید.

درازانی تاریخ شان برخورد اند و روزگاری را با اندوه گران از سر گذراندند ولی با امید به آینده دست از طلب نکشیده اند و سر انجام موفق شده اند. ما افغانها نیز در همچو موقعیتی قرار داریم اینکه علل و عوامل تیره بختی کنونی چیست جای بحث اش درین فرصت نیست ولی آنچه که ما را امروز درین تالار بدور هم جمع کرده است مضمونش اندیشه فرداست، تاریخ ما شهادت میدهد هر باری که ملت و سرزمین ما طرف طمع و چشم داشت بیگانگان آزمند قرار گرفته است مردم آزاده ما اعم از پشتون، تاجک، هزاره، ازبک و بلوچ دست بدست هم داده یکدل و یکصدا از میهن خویش دفاع کرده اند که اینک آن لحظه تاریخی فرا رسیده است.

ما افغانهای مقیم اروپا بدلیل توانایی های منحصر به فرد که هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی داریم احساس مسوولیت بیشتری میکنیم.

بناً از هموطنان پناهنده و پناه جوی مقیم اروپا استدعا می نمایم تا از هیچگونه سعی ممکنه جهت تحقق کامل مساعی جاری دریغ نوزیده تا بدین وسیله بخشی از مسوولیت خویش را در قبال ملت و سرزمین خشکیده و خونین خویش ادا نمایند.

گزارش دهنده: پروین سربابی

گزارش کمیته اجرائیه برای

تشکیل فدراسیون اروپایی

به اجلاس مؤسس فدراسیون

سازمانهای پناهنده گان افغان

مقیم اروپا

آقای رئیس، مهمانان ارجمند، خانها و آقایان!

اجازه دهید من هم به نوبه خود شرکت شما را به این اجلاس تاریخی خیرمقدم گفته، موفقیت و شریبخشی این رویداد مهم را از ایزد متان مسئلت نمایم.

از آنجاییکه یکتعداد از حضار محترم در کنفرانس مهاجرت و مشارکت شرکت نداشتند، اجازه دهید از نحوه دعوت، تشکیل و تصامیم کنفرانس اروپایی مهاجرت و مشارکت مختصر معلوماتی ارائه نمایم تا در روشنی آن بتوان گزارش اجراءات کمیته اجرائیه را شفاف تر خدمت حضار محترم تقدیم نمود.

از تاریخ ۳ الی ۵ سپتمبر ۱۹۹۹ میلادی کنفرانس اروپایی مهاجرت و مشارکت به دعوت و ابتکار فدراسیون انجمن های پناهنده گان افغان مقیم هالند و با شرکت ده ها نهاد صنفی، اجتماعی و فرهنگی جامعه پناهنده گان افغان مقیم اروپا از کشور های هالند، آلمان، فرانسه، بلجیم و دنمارک در همین تالار در فضای گرم و صمیمانه تدویر یافت، هدف از تشکیل این کنفرانس ارایه طرح پیشنهادی فدراسیون انجمن های پناهنده گان هالند به نماینده گان و شخصیت های دعوت شده به این کنفرانس بود تا روی ضرورت و چگونگی تشکیل فدراسیون سازمانهای پناهنده گان افغان مقیم اروپا غور و بحث نموده تصامیم لازم را اتخاذ نمایند که بخش قابل ملاحظه ای از ذوات حاضر در تالار در کنفرانس یاد شده اشترک داشتند. کنفرانس مهاجرت و مشارکت با اتفاق آرا ضرورت و چگونگی تشکیل فدراسیون اروپایی افغان های مقیم اروپا را تصویب نموده و جهت تحقق فیصله های کنفرانس بخصوص ضرورت دعوت و تشکیل اجلاس مؤسس دو کمیته جداگانه هریک مشورتی و اجرائیه را با رأی اکثریت

ما افغانهای مقیم اروپا به دلیل توانایی های منحصر به فرد که از نظر مادی و معنوی داریم، احساس مسوولیت بیشتری میکنیم.

حضار گرامی، دانشمندان و نماینده گان نهاد های صنفی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مهاجر افغان مقیم اروپا، خانها و آقایان!

اجازه بدهید از جانب خود و همکارانم در کمیته اجرائیه برای تشکیل فدراسیون اروپایی سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا، اشترک شما را به اجلاس مؤسس فدراسیون اروپایی سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا خیر مقدم بگویم. همچنان از زحمات دوستانی که در کار تدارک و تشکیل این اجلاس با شکوه و تاریخی سهم مستقیم داشتند اظهار امتنان نمایم.

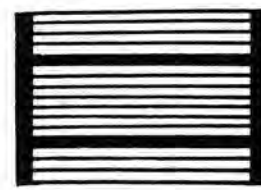
درین لحظات مسرت بخش و امید آفرین خدای بی نیاز را سپاسگزارم که به من و همکارانم در کمیته اجرائیه توفیق اعطاً فرمود تا افتخار میزبانی این اجلاس تاریخی را داشته باشیم.

بتأسی از خواست و ضرورت اجتناب ناپذیر صد ها هزار پناهنده افغان مقیم اروپا به اتحاد و هماهنگی وسیع القاعده و نهادین و بمنظور احقاق حقوق پناهنده گی هموطنان ما در شرایط موجوده از یکطرف و از طرف دیگر به هدف به هم دوختن نهاد ها، اقشار و گروه های اجتماعی، فرهنگی جامعه پناهندگان افغان مقیم اروپا جهت برداشتن گامهای مهم و شایسته در کلیه زمینه های اجتماعی، فرهنگی و همچنان ایفای نقش معین در قبال اوضاع فاجعه بار جاری در میهن ما از نیمه اول سال ۱۹۹۹ میلادی فدراسیون انجمن های پناهندگان افغان در هالند به تعدادی از شخصیت های مستقل اجتماعی، فرهنگی بر ضرورت و مبرمیت اتحاد قاروی مهاجرین افغان، توجه به تحولات ساختاری و سیاسی قاره اروپایی پی بردند و مساعی ممکنه خویش را به کار بستند که در نتیجه موفق به تشکیل کنفرانس اروپایی مهاجرت و مشارکت به عنوان قدم نخست و تعیین کننده گردیدند و در همین کنفرانس بود که طرح تشکیل فدراسیون اروپایی سازمانهای پناهندگان افغان از جانب فدراسیون هالند به کنفرانس پیشکش گردید که توسط نمایندگان ده ها نهاد صنفی، اجتماعی و فرهنگی از چندین کشور اروپایی که در آن کنفرانس حضور داشتند ارزیابی و نقادی شد و طی سه روز جلسات کاری کنفرانس اروپایی مهاجرت و مشارکت سر انجام ضرورت تشکیل این نهاد حیاتی به اتفاق آرا تأیید گردید و تصامیم معینی جهت تشکیل اجلاس مؤسس و مسایل مربوط به آن اتخاذ گردید که از آن جمله دو کمیته هر يك کمیته مشورتی و اجرائیه بمنظور تحقق فیصله های کنفرانس تشکیل گردید. اعضای هر دو کمیته از جمع نمایندگان و شخصیت های باوری شرکت کننده در کنفرانس با اصولب های دموکراتیک کاندید و انتخاب شدند. کمیته های متذکره بطور مشترک موظف به تهیه اساسنامه و مراننامه و همچنان دعوت و تدارک اجلاس مؤسس گردیدند که اینک همه ما به لطف یزدان پاک شاهد و شریک این اجلاس به عنوان رویداد تاریخی هستیم.

برای اینجانب و همکارانم در کمیته اجرائیه تا آنجا که مقدور و میسر بود به تعهدات خویش در برابر کنفرانس اروپایی مهاجرت و مشارکت عمل کرده ایم که گزارش مفصل آنرا نظر به معذرت صحتی که بنده دارم محترمه پروین سربابی متعاقباً به اطلاع تان خواهند رسانید.

اجازه دهید درین فرصت از همکاری های بی شباهه کمیته مشورتی صمیمانه ابراز امتنان نمایم و از زحمات همه دوستانی که پیوسته کمیته اجرائیه را همراهی نموده اند سپاسگزاری نمایم.

و اما آنچه را که در اخیر میخوام به عنوان فردی از جمع شما به این گزارش اضافه کنم آن اینکه به شهادت تاریخ، ملت های زیادی را سراغ داریم که با حوادث فاجعه باری نظیر آنچه که امروز در افغانستان عزیز جریان دارد، در



د آزادي داستان

د نړۍ گټه پاتې

ليکونکي: د سرمحقق مرستيال محمد ولي مندوږی

يوه ورځې تندباد شو لو په قار
د خپلې معشوقې، له فرار او انزجار
بس په ټول قوت يې کړل وړمندي
معشوقه يې شوه په منډې لا په منډې
هغه وپريدونکې کوچنۍ طوفان وهل
په اغزن بوتې ټپله شو ورنټلې
تندباد د خپلې معشوقې وزرونه مات کړل
د بوتې په اغزو کې يې باد باد کړل
تند باد پوه نه شو تر اخبره
تل په غم غوسه کې و په ويره
ولې د هنې گل اندامې معشوقې وزرونه ماته کړل
د اغزن بوتې اغزو کې سره باد کړل؟!
د اميرانو امير سخت په غضب راغی
په طبيعت مزاج کې خلل راغی
ويلې ژر که لېونيه د حکايت نتيجه څه ده
د حکايت مفاد، معنا دې څه ده؟
ليوني ويل وايمه اميره ښه دقيق شه
د حکايت کوچنۍ معنا ښه باريک شه
هغه تند په تندۍ کې حاکميت و
چلوونکې د فرمان، مستبد پخپل طبيعت و
نازک بدن پتنگ دوستي وه د تند باد
که ليواله د دوستۍ وې راځه وکړه قرارداد
د دوستۍ تړون امضا کړه
د تحکم څخه لاس واخله دا وعده کړه
زندانونه د زندانيانو په مخ خلاص کړه
زنداني بناريان له زندانه ژر راخلاص کړه
زه ځم د امير له دربار څخه د بانې
انتظار باسم د امير له پاره وړاندې
ليوني منتظر کيناست له دربار څخه دباندې
په ستر ميدان کې منتظر د امير له پاره وړاندې
خو امير را نه وت له دربار څخه دباندې
د روغ ليوني له قصې نه خبر نه شول څوک د باندې
جار چيانو په جار وهل ډولونه
خوشحالي وه، نڅا وه اتڼونه
ځان خرڅوونکو واعظانو بې شمار کول وعظونه
د امير له پاره هر ځای تبليغ و، صفتونه
ژورنالستانو وسپارلې خپل ناقص وجدان
انتحار له پاره د قصاب ته د څو روپيو په ارمان
خو وروسته، وروسته خبره له کنټروله ووتله
پخوانۍ دوره د وحشت دهشت دوره گڼل کيدله
د آزاد قلم بيان په جريدو کې نشريدلو
په دربار او درباريانو انتقاد به خپریدلو
د زړه پټې خبرې له سينونه راوتلې
د دموکراسۍ خبرې په سرو کې خوځيدلې
د آزاد قلم بيان نه، چی خبر شو ستر امير

ميرغضب شو مستبد حاکم امير
په انتظار ناست و لا ميدان کې ليواله ليونۍ
سپاهيانو ونيو د آزادۍ د لارې دغه سپيلانی
ځنځير زولانه يې کړل لاسونه
شاته يې ور پيچ کړل ولچکونه
په ټپله ټپله يې کش کړلو زندان ته
سپاهيانو امر وکړ زندان بان ته
ځنځير و نه يې مات نکړی له لاسونو
مغرور دی لا تر اوسه په زور د ولسونو
د آزاد قلم، دموکراسۍ بيانوونکي
د امير د استکبار او ظلم افشا کوونکي
ټول زندان ته راوستل شول
يو يو شکنجه وکړاو شول
روغ ليونۍ د کوټې کنج کې غلۍ ناست و
خوله يې وه ترلۍ گونگی ناست و
ډېر کلونه وروسته راغی زندان بان
د ليوني د لاس ځنځير يې مات کړو په سندان
ويلې ستا گناه ده ښل شوی لېونيه
توبه و باسه له تېر عمله مېرنيه
امير رضا دی ستا له پټې خولې
شکر گزار شه له خپلې چوپې خولې
هر چېرې چې څې په مخ دې ښه شه
د زندان د تکليفونو ښنده شه
ليوني د خپلې آزادۍ په اوریدو يو څه مسکۍ شو
د امير په عفو او ښه خندنی شو
په موسکا خدا راووت له زندانه
دورې دورې گرزیدلو سرگردانه
بله ورځ راووت ليونۍ وپوه ميدان ته
ځير ځير يې کتل د لارې هر انسان ته
خپل لاسونه يې پخپله ځنځيرونو کې را پيچ کړل
په دا عجيب عمل يې ټول وگړي سرگيچ کړل
بس پټه خوله به ناست و خبرې نه کولې
خلکو به حيران حيران ده خواته کتلې
يوه ورځ امير توره ليکه داره لونگی په سر وهلي وه
چور مه داره شترې چپنه يې په مټو اچوبی وه
په تور آسپ يې پښه و اړولې
د امير په تماشه بناريان و راوتلي
د لښکر مخ کې په ډېره سامانه او ډېر روان و
تسخيرون يې هېوادونه ستر لښکر روان و
روغ ليونۍ لاس ترلۍ په ځنځير کې وليدلو
ورنډې شو خپل آسپ يې ودرولو
وبلې په نعمت د آزادۍ مې په تا رحم وکاوه
تا ولې پخپله لاسوته ځنځير درواچاوه؟!
روغ ليونۍ د پټې خولې چوپټيا کړه ماته
په خبرو راغی د لښکر امير پادشاه ته

ما ويلې و په ژمنه، نه شې دريدلی ته اميره!
د مينې قلمرو ته بهر نه شې راوتلی زما ميره
کله چې ستا له کوچني زندان راووتم آزاد شوم
هری خواته آزادۍ پسې په ځخاست فرياد شوم
خود د آزادۍ څرک رانه غی تر سترگو
پريشانه کړمه ډېرو ورو سپينو سترگو
ټوله ځمکه وه بدله د شکنجو په ستر زندان
ټول خلک يرغمل وو ستاسو د لښکرو قوماندان
په هر ځای کې وپر ماتم ژړا وه
عذاب، کړاو او انگوله وه
هر ځای کېدوډی او بی نظمي وه
هر ځای کې د غلو داره ماري وه
چور چپاول روان د لاس بري قصه وه
قوماندان شاهي وه د هر قوماندان خپله حصه وه
هر چېرې ترس وهم وحشت و
هر چېرې دهشت او بربريت و
بس پوه شوم له کوچني زندان وتلی
ستر او مستحکم زندان ته نننلی يم
روغ ليونۍ يوه لحظه چوپ آرام شو
را ولاړ شو سم د لاسه بيا گويان شو
په ځنځير کې پيچ لاسونه يې آسمان ته اچول
پخپله خوښه او اراده يې شرنګول

ويلې اميره د خپلواکۍ، آزادۍ، آزاد فکر انسان يم
کلک ولاړ پخپله عقیده و خپل ايمان يم
شکنجونه کړم بدل هغه سړی يم
د آزادۍ د لارې لاروی يم
د آزادۍ ډېره تنګه نړۍ لار مې ده ليدلې
په کلک عزم روان يم اراده مې ده سپېڅلې
هغه دا: پخپله اراده لاسوته ځنځيرونه اچومه
پخپله اراده يې شرنګومه شرنګومه
د ځنځيرونو دغه شرنګهار ماته الهام دی
عمل او واک مې د خپل ځان دی
همدغومره د آزادۍ اختيار لرمه
اراده مې د خپل ځان ده په کار يې اچومه
روغ ليونۍ په اخير کې وويل اميره!
خبره مې په ياد لره په ځيره

ظالم به مظلومانو ته ورنکړي آزادۍ پخپله خوښه
مظلوم به اخلي آزادۍ له ظالمانو که خوښ وي يا ناخوښه
يوه ورځ به طوفان وهلي زړونه يو ځای کيږی
د سرونو په کوروکې به فکرونه جمع کيږی
پټ قوت به رانښکاره شي د انقلاب په ستر ميدان
دروازې د زندانونو به ماتيږي د ولسونو په ايمان
دغه تنګه نړۍ لار د آزادۍ به پراخوي
هر طوفان وهلی، محکوم انسان به ترې تېريږی

گرانو لوستونکو! په تيره گڼه کې مو د پورتنۍ شعر لمړی برخه خپور کړل چې بايد دغې طبعي غلطۍ گانې په لاندې ډول اصلاح کړای ش:

کرته	ناسم	سم
۷	د نادره	نادره
۱۷	را	—
۱۸	د ميري	ميري
۲۸	د زندان	زندان
۵۵	وروراره	وراره
۵۸	دکان	کان
۵۹	ټول قبضت	ټوله قبضه
۶۰	تا سړه	تالره
۱۰۰	ولي	بولي

گزارش کمیته اجرائیه . . .

پټیه از ص ۳

از آغاز مساعی برای تشکیل فدراسیون اروپایی یعنی قبل از تدویر کنفرانس اروپایی مهاجرت و مشارکت تعدادی از شخصیت های دلسوز و منور از میان افغانهای مقیم هالند در چوکات کمیته های کاری و تدارکاتی زحماتی قابل ملاحظه ای را متقبل شدند که درین فرصت لازم میافتد تا اسامی ذوات محترم را از این تریبون تاریخی یادآور شوم.

- ۱- محترم محمد ابراهیم سرور
- ۲- محترمه حمیرا نگهت دستگیرزاده
- ۳- محترمه لیلا صراحت روشنی
- ۴- محترمه ثریا اسحق زی
- ۵- محترم ستانه کل شیرزاد
- ۶- محترمه پروین گردیزی
- ۷- محترمه زهره حسیب
- ۸- محترم الحاج فدامحمد یاری
- ۹- محترم غلام محمد یاری
- ۱۰- محترم انجنیر لعلی
- ۱۱- محترم انجنیر نجیب شریفی
- ۱۲- محترم شیرآقا شیرزی
- ۱۳- محترم حسن ملکزی
- ۱۴- محترم غلام حیدر مدد
- ۱۵- محترم نورآقا شیرزی
- ۱۶- محترم حسیب الله یاری
- ۱۷- محترم محمد شفیق سرور
- ۱۸- محترم اعظم نذیر
- ۱۹- محترم اجمل عیدی
- ۲۲- محترم شهیر ملکزی

در اخیر یکبار دیگر از مساعی فرد سازمان دهندگان و شرکت کنندگان این اجلاس تاریخی اظهار امتنان نموده و درین موقعیت، آمادگی کمیته اجرائیه را برای انتقال مسوولیت به هیأت مدیره فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا بعد از تشکیل آن اعلان میدارم.

از توجه تان تشکر

آبدیده

از استاد "توفیق"

يا قبول داغ برگ لاله احمر می شود
سرخ رو گردد به عشق هر کس به خون تر می شود
عافیت خواهی بیا جمعیت دل هاگزین
هر گل از گلبن جدا افتاد پرپر می شود
از دم سرد و دل سرد هیچکس طرفی نه بست
شمع بین از گرمسوزی تاج بر سر می شود
آبرو کی یافت بی سعی تپیدن باغبان
از عرق تر می شود تا گل معطر می شود
دهقان از پایداری در زراعت سرخ روست
سیب سرخ از پنبه دست هنرور می شود
ریزه الماس را تاج پلاتین می کنند
آبدیده پاره پولاد خنجر می شود
هر که در غفلت تن آسا گشت خواری می کند
وانکه در خدمت چونی، استاد شکر می شود
از لب و خالت به ماهم بخش آب و دانه ای
مرغ اگر بی دانه ماند، یلاچر می شود
هرکس از موسی و عیسی تر زبان معجزیست
نی به کلک زحمت "توفیق" شکر می شود

گزارش مفصل جریان کار سه روزه اجلاس مؤسس فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا

گزارش از س.ن. وحدت

سبزهای هالند که قبلاً از سوی کمیته اجراییه دعوت شده بودند تا در این اجلاس تاریخی شرکت نموده بپایه شان را خطاب به اجلاس ایراد نمایند، واردتالار اجلاس گردید. از خانم کریمی تقاضا بعمل آمده بود تا پیرامون سیاست های جدید اتحادیه اروپا و کشورش در قبال پناهندگان بطور کل و افغانستان بطور خاص و همچنان از مسافرت اخیر شان به افغانستان و منطقه به این اجلاس معلومات لازم را ارایه نمایند. موصوف پالیسی کنونی اتحادیه اروپا و کشورش را در قبال پناهندگان بطور کل و افغانستان بطور خاص صادقانه نقادی نموده و عدم توجه به فاجعه جاری در افغانستان و کم

از تاریخ ۲۹ سپتمبر ۲۰۰۰ میلادی اجلاس مؤسس فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا، به دعوت و میزبانی کمیته اجراییه و مشورتی برای تشکیل این فدراسیون در انستیتوت تماس قاره ها، واقع در شهر سوستربخ هالند انعقاد یافت.

نمایندگان چهل و سه سازمان اجتماعی، فرهنگی و صنفی و یک سوم همین کمیت شخصیت های مستقل جامعه پناهندگان افغان از کشور های آلمان، انگلستان، فرانسه، اطریش، بلجیم، سوئیس، ایتالیا، سوئدن و هالند گرد هم آمدند. کار اجلاس در روز ۲۹ سپتمبر ۲۰۰۰ ساعت ۷ شام به وقت هالند با تلاوت آیاتی چند از کلام آسمانی قرآن کریم رسماً گشایش یافت. سپس محترم احمد راتب فقیری منشی فدراسیون انجمن های پناهندگان افغان مقیم هالند و عضو کمیته اجراییه برای تشکیل فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا، بپایه افتتاحیه اجلاس را به نمایندگی از کمیته اجراییه به حیث میزبان این اجلاس ایراد نمود.

متعاقباً محترم داکتر عزیز گردیزی به نمایندگی از کمیته مشورتی برای تشکیل این فدراسیون خطابه شان را ایراد نمودند. سپس محترم پروین سرابی سرپرست کمیته اجراییه برای تشکیل فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا گزارشی مفصلی از اجراءات ده ماهه این کمیته را به سمع اجلاس رساند. متعاقباً محترم لاهو عضو کمیته مشورتی و محترم محمد شاه فرهود عضو کمیته اجراییه به ترتیب پیامهای واصله از سوی سازمانها و شخصیت های مستقل افغان مقیم اروپا را به اجلاس گزارش نمودند.

سپس محترم داکتر امایاراز کشور انگلستان که نمایندگی سه نهاد افغانی را داشتند خطابه شان را در این اجلاس ایراد نمودند.



محترم لیلا صراحت روشنی حین دکلمه شعرش

کار اجلاس در روز اول در همین موقعیت به پایان رسید باید اضافه نمود که روز اول کار اجلاس اختصاص یافته بود به مراسم افتتاحیه.

روز دوم

کار اجلاس تحت ریاست محترم داکتر عزیز گردیزی به ساعت ۹ صبح آغاز گردید. انانسر اجلاس محترم جمیله زمان انوری از هیات رئیسه اجلاس تقاضا نمود تا به موقعیت معینه قرار گیرند. سپس از محترم احمد راتب فقیری خواسته شد تا طرح پیشنهادی اساسنامه و برنامه را که به وسیله کمیته اجراییه برای تشکیل فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا به همکاری کمیته مشورتی تهیه شده بود به اجلاس گزارش نماید. در ختم این گزارش محترم فرح کریمی عضو پارلمان هالند و عضو کمیته روابط خارجی این پارلمان و همچنان از فعالین حزب



هیات ریسه روز سوم اجلاس



جریان بحث روی اساسنامه

کریمی تالار اجلاس را ترک گفتند. سپس همانطوریکه در اجندا پیشبینی شده بود، شور و بحث روی یکایک مواد اساسنامه و برنامه آغاز گردید. نمایندگان و شرکت کنندگان حاضر در اجلاس هرکدام بنوبه خود تعديلات لازمه را در اساسنامه و برنامه پیشنهاد نمودند که پس از رأی گیری با اتفاق آراء هر ماده بطور جداگانه بتصویب رسید.

روز دوم کار اجلاس به ساعت ۷ شام به پایان رسید. با توجه به حجم کار رأی گیری برای تصویب کلی و نهایی اساسنامه و برنامه به روز بعد موکول شد.

در شام روز دوم اجلاس محفل ادبی و هنری به افتخار این اجلاس از ساعت ۹ شب برگزار گردید. در ابتدا قسمت ادبی یا شب شعر به گرداندگی شاعر و نویسنده توانمند افغان محترم فاروق فارانی و به همراهی شاعران نامور چون خانم لیلا صراحت روشنی، محترم فرهود، خانم حمیرا نگهت

توجهی محافل بین المللی و اروپایی را در قبال مهاجرین افغان غیر واقعبینانه خوانده گفت: "افغانستان با فاجعه بینظیری دست به گریبان است و مردم افغانستان قربانی مداخلات خارجی و مسوولیت نشناسی جامعه بین المللی گردیده اند". خانم کریمی که اخیراً بنا به دعوت مؤسسات خیریه خارجی و علاقمندی خودش سفری به افغانستان داشته تا گزارش از وضع این کشور برای پارلمان هالند تهیه نماید، چشم دید هایش را در این سفر با این جمله کوتاه یادآور شد "افغانستان زندان بی آب و نانی است که وجدان هر انسان با احساس را تکان میدهد". موصوف وضعیت رقتبار مهاجرین افغان را در کمپ های پاکستان که وی شخصاً از تعدادی از این کمپ ها بازدید نموده بود، وحشتناک خواند و گفت: "در این سفر به وضعیتی برخوردیم ام که تا قبل از سفرم تصور و توقع آن را نداشتیم". خانم فرح کریمی خطاب به اجلاس یاد آور شد، حل مشکل افغانستان تا زمانی که خود افغانستان مثلی که امروز شما اینجا جمع شده اید تا برای مشکلات تان راه حلی بیابید، بسیج و فعال نشوند بعید به نظر می رسد. موصوف جامعه مهاجر افغان مقیم اروپا را با توجه به توانایی های آشکارش در قبال سرنوشت و آینده افغانستان مسوول خواند و از تلاش جاری به عنوان قدمی در همین جهت استقبال و قدردانی نموده حمایت و همدردی خود را با این اجلاس و نتایج حاصله از آن ابراز نمود.

شایان ذکر است که خانم کریمی طی سالهای اخیر که سیاست دول اروپایی و از جمله کشورش در قبال پناهندگان افغان سیر منفی داشته، همواره از داعیه حق طلبی از افغانستان حمایت نموده در داخل و خارج پارلمان هالند مساعی لازمه را به خرج داده اند که شایسته است در هر فرصت ممکنه از ایشان قدردانی بعمل آید.

در ختم سخنرانی خانم فرح کریمی، محترم داکتر عزیز گردیزی رئیس اجلاس به نمایندگی از این اجلاس باشکوه از شرکت و سخنرانی خانم کریمی تقدیر بعمل آورده بیانات صادقانه شانرا مایه امید واری و قابل تمجید خواندند و دسته کلی را به رسم تحفه به ایشان پیشکش نمودند. خانم

دستگیرزاده و محترم غلام حیدر مدد و شاعران گرانقدر دیگر بدت دو ساعت ادامه یافت. ناله های عاشقانه و عارفانه شعرای عزیز مان اگر از یکطرف حالات و لذت می بخشید، از طرف دیگر چون نوح خاری به جگر می خلید، در ختم این اجتماع ادبی، شب موسیقی با آوازخوانی غزل خوان خوش آواز افغان محترم محمد عظیم نذیر و به نوازندگی محترم جوادیرم برقرار گردید. غزل های کلاسیک و دل پرور این بزم موسیقی هر انسان با احساس را با گذشته های دور و نزدیک اش پیوند میداد.

روز سوم

روز سوم کار اجلاس به ادامه روز دوم روی طرح و اساسنامه و برنامه آغاز گردید. طرح کلی و تعدیل شده اساسنامه و برنامه به رأی حاضرین گذاشته شد که با اتفاق آراء به تصویب رسید و بدینگونه به اساسنامه و برنامه صلاحیت عمل و تطبیق داده شد.

برای تحقق این اساسنامه و برنامه به عنوان عالیترین سند تأسیسه و موجودیت فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا، لازم بود تا کادر های اجرایی تشکیل گردد. با توجه به تقاضای اساسنامه و برنامه، تشکیل دو نهاد دایمی یعنی هیات اجراییه و شورای نمایندگان در دستور کار اجلاس قرار گرفت. ابتدا برای ریاست هیات اجراییه از حاضرین تالار تقاضا بعمل آمد تا هریک از اعضای شرکت کننده در این اجلاس که توانایی لازم را برای قبول این مسوولیت در خود و یا شخص دیگری می بینند به اجلاس اذعان نمایند، محترم داکتر عزیز گردیزی رئیس اجلاس سه بار این تقاضا را تکرار نمود. از جمع موجود کسی متقبل این مسوولیت خطیر نگردید، سپس حاضرین اجلاس محترم احد عزیززاده رئیس فدراسیون انجمن های پناهندگان افغان مقیم هالند را که نقش کلیدی در آغاز مساعی برای تشکیل این فدراسیون داشته و تا این اجلاس مساعی اش را بیدریغانه ادامه داده است به عنوان کاندید مناسب پیشنهاد کردند.

بقیه در ص ۱۰



محترم عظیم نذیر و محترم جوادیر نصرت حین اجرای کنسرت

د آزادی غوښتونکو ټاټوبی



لیکونکی: ا.ر. بارکزی

د تیری گټې پاتې

د ایرانی یرغلګرو پر ضد د یو ملی قیام په نتیجه کې د هرات ابدالی حکومت مینځ ته راغله. د اسدالله خان ابدالی نوم د افغان آزادی غوښتونکو د یو رهبر په حیث د هیواد د اتلسمې پېړۍ په تاریخ کې لوړ ځای لري. خو د ده د مرګ نه وروسته د زمان خان ابدالی د یو سیاسي څپ په نتیجه کې قبايلي دښمنۍ د هرات د مشرانو تر مینځ پیل او د هرات د ابدالی حکومت د انحطاط سبب شو.

نو پداسې حال کې چې د کندهار د غلجایی حکومت د شاه اشرف هوتکی تر مشرۍ لاندې د جهانشاهی په جګړو کې دوب او د روسیې او ترکیې د حکومتونو سره په جګړه کې بوخت وه او د هرات ابدالی حکومت د قبايلي ناوړه رقابتونو له امله خپل ثبات له لاسه ورکړی وه، نادر افشار د ایران په شمال کې د یو قوی پوځ په جوړولو بریالی شو. دا پوځ لمړی څو د ایران په خاوره کې ډیر افغانان له مینځه یووړ او بیا وروسته د هرات خواته روانه شوه. نادر افشار چې ځان د شاه طهماسب صفوی سپهسالار بلل، د افغانانو د تفرقه او په افغانستان کې د مرکزي دولت د نشتوالی نه په استفادی سره نه یواځې ایران وژغوره بلکه په ۱۸۲۷ کې په هرات باندې حمله وکړه. نادر دا وار د الله یارخان تر مشرۍ لاندې د افغانی مدافعینو لخوا په شاه وتمبول شو. د نادر افشار کونښونه د هرات د نیولو د پاره کلونه بی نتیجه پاته شو. الله یارخان ته د فراه نه د نومیالی افغان ذوالفقار خان تر مشرۍ لاندې درې زره جنگیالیان د مرستې د پاره ورسیدل. وروسته بیا د کندهار نه درې زره توریالی د سیدال خان ناصري تر مشرۍ لاندې د هرات د مدافعینو سره مل شول. کله چې د دغه مدافعینو په توره دښمن باندې پر له پسې ګزارونه روانه وه. دلاور خان تایمېنې د هغې شخصي مخالفت له امله چې د شاه حسین هوتکی سره درلوده؛ د خپل درې زره جنگیالیانو سره هرات ته داخل او پردې دښمن؛ نادر افشار سره مل شو. دلاور خان نادر پدې لېسول چې کندهار ونیسي او ورته ښودل چې د کندهار په دفاعی استحکاماتو کې کوم ټکي ضعیفی وي. کله چې ملي مقاومت د قبايلي او شخصي رقابتونو قربانی شي، نو د دښمن بریالیتوب حتی ټنه نیسي. مرحوم غبار پدې هکله داسې لیکي:

"د هرات د جرګې برخه وال پخپل سترګو لیدل چې د خانانو د اغراضو او د قبیلوي اختلافاتو له امله د هرات د خلکو د مدافعینو قوت متفرق شوی وه. هغوی پوهیدل چې همدا وضع په ایران کې د شاه اشرف هوتکی او په سیستان او خراسان کې د شاه حسین هوتکی د حاکمیت د سقوط سبب ګرځیدلی وه. نو د بی اتفاقی په فضا کې، د یو لوی قوت سره په جنگ کې د بریالیتوب هیله، معقول نه ښکاریده. که څه هم د هرات توریالی خلک خپل سنگرونه نه وه پرېښودلي،

خو جرګه د پورتنی دلایلو په اساس د ښار د تسلیمولو فیصله وکړه". نو نادر افشار د یوولسو میاشتو نه وروسته د هرات په نیولو بریالی شو (۱۷۳۱ م).

نادر چې د افغانانو سره د جګړه په لړ کې د افغانانو د توری په قوت باندې خبر شوی وه، د هندوستان د نیولو په هدف یوه افغانی فرقه د ابدالیانو څخه د عبدالغني خان الکوزي په مشرۍ او یو بل لښکر د غلجایانو څخه د نورمحمد خان غلجایی په مشرۍ جوړه وکړه. پدې ډول جمعاً شپاړلس زره افغانان د نادر افشار په لښکر کې شامل شول.

نادر د ډیر جګړو نه وروسته د هندوستان او د بخارا په نیولو بریالی شو. د افغانانو شپاړلس زریز عسکر د نادر په بریالیتوبونو باندې مهم اغیزه درلود. په تیره بیا د بغداد پر ضد په جګړو کې اساسي ضربې د افغانانو لخوا وارد شو. نادر د یو خراسانی او یو سني مذهب په حیث د ایران د شیعه اکثریت په مقابل کې د سني مذهب افغانانو په مرسته باندې اتکا کاوه. ده په ایران کې حنفی مذهب رسمی اعلان وکړه او د شیعه مذهب د پیروانو مقاومت د زور او زبردستي سره ځاموشه وکړه. د نادر دیکتاتوري روش د دې سبب شو چې د ننه په ایران کې د ده پر ضد مخالفت زیاته شي او حتی د مسلحانه قیامونه ښه ونیسي. نادر د تدبیر په ځای په توره لاس پورې وکړه او خپل عصبي موازنه له لاسه ورکړ. حتی د نادر درباریان هم وریږدل چې د نادر لخوا له مینځه یوړل شي. نو په دربار کې هم د نادر خراسانی په مقابل کې توطی پیل شول. خو د نادر د لښکر افغانی برخه د ده تر مرګ پورې په دغو توطیو کې برخه نه درلود. لیکن نادر بالاخره د خپل ایرانی درباریانو په لاس په ۱۷۴۷ م، په فتح آباد کې ووژل شو.

د کندهار ملی جرګه او د افغانستان د ارضی تمامیت او ملی وحدت احیا:

کله چې نادر افشار په فتح آباد کې د خپل درباریانو لخوا ووژل شو، د ده د لښکر افغانی برخه، د نورمحمد خان غلجی په مشرۍ، تصمیم ونيول چې د نادر کورنۍ په امن ټوکه بیرته ایران ته ورسوي او بیا وروسته کندهار ته لاړشي. د نورمحمد خان تر قوماندې لاندې د ازبکي قواوو مشر احمد خان ابدالی هم شامل وه. احمد خان ابدالی په هغه وخت کې ۲۵ کلن وه خو د لوړ فکري ودې خاوند وه. احمد خان ابدالی د توره او قلم خاوند او د پښتو د ژبې شاعر ده. ده د خپل عصر د واقعاتو او د ابدالی او هوتکی حکومتونو د ترڅی تجربې نه ډیره زده کړې وه او د افغانستان د ټولو خلکو د پیوستون او د آزادی غوښتونکو د ټاټوبي د ارضی تمامیت د تأمین هیله یی په زړه کې وه. احمد خان په درې ژبه باندې مسلط وه او د ازبکي عسکرو سره د کار تجربه درلود.

کندهار د پخوا زمانو څخه د افغانستان بین الاقوامی مرکز وه. نه یواځې پښتون قبايل بلکه تاجیک، ازبک او بلوڅ هم پکښې ژوند کاوه. نو نورمحمد خان غلجایی د مسلح قواوو د عمومی قوماندان او د غلجایانو د مشر په حیث تصمیم ونيول چې د افغانستان د ارضی تمامیت د تأمینولو د پاره باید یو بین الاقوامی او ملی شاهي دولت جوړ شي. د دغسې دولت د جوړولو تصمیم باید د لوی جرګې لخوا نیول کیده، نو نورمحمد خان دا وظیفه هغه جرګې ته ورسپارل چې په ۱۷۴۷ م د "مزار شیر سرخ" په تعمیر او د نادرآباد په نظامی کلا کې جوړه شوه. د پادشاه ټاکل، په قبايلي افغانستان کې او پداسې حال کې چې د هیواد د اقتصادي او ټولنيزی ودې نه د خارجي یرغلګرو لخوا مخنیوی شوه وه، آسانه کار نه وه. د ۹ ورځو بحث نه وروسته یو حکم وټاکل شو او د جرګې برخه وال تعهد ورکړل چې د حکم تصمیم ومنی. دا حکم یوه سیاستمداره متصوف او د احترام وړ روحاني؛ صابرشاه کابلي وه. صابر شاه چې د افغانستان د سیاسي ټولنیز او نظامی وضعی نه پوره معلومات درلود، د دقیقې محاسبی نه وروسته پدې نتیجه رسیدلی وه چې احمد خان هغه ځوان شخصیت دی چې کولی شي افغانان بیا متحد کړي. نو د جرګې برخه وال د پخواني فیصلی په اساس د صابرشاه کابلي فیصله ومنل او د ځوان احمد شاه په مقابل کې په افغانستان کې د مرکزي دولت د احیا دروند وظیفه کښېښودل شو.

پاتې په لسم مخ

یکجا شدن دوباره خانواده

پناهندگان در هالند

پيوسته به گذشته

اقامت در هالند

در صورت موافقت با درخواست اجازه اقامت عضو خانواده او می تواند بمدت یکسال در هالند بماند. پس از سپری شدن یکسال، اجازه اقامت باید تمدید شود. تمدید اجازه اقامت بعدد پولیس خارجی است. درخواست تمدید باید حداقل ۴ هفته پیش از ختم اجازه اقامت به پولیس خارجی ارائه شود. در صورتی که در عرض شش ماه پس از ختم اجازه اقامت، درخواست تمدید آن انجام نشود، باید مجدداً درخواست اجازه اقامت کرد و مصارف وابسته به آن را نیز متقبل شود. پولیس خارجی حق تمدید اقامت را، هرگاه فرد دارای امکانات مادی کافی نباشد، ندارد.

در چه صورت اجازه اقامت

برای یکجا شدن دوباره یا

تشکیل خانواده می تواند پس

گرفته شود؟

اجازه اقامت برای یکجا شدن دوباره یا تشکیل خانواده از انواع "اجازه اقامت های وابسته" است. این بدان معناست که عضو خانواده که به هالند آورده شده است، تا زمانی می تواند در هالند بماند که هنوز عضو خانواده محسوب می شود. پس اگر جدایی پیش آید یا فرد و شریک زندگی اش دیگر با هم زندگی نکنند، این موضوع می تواند برای اجازه اقامت همسر یا شریک زندگی عواقبی داشته باشد.

اجازه اقامت در حالات ذیل تمدید نمی شود یا پس گرفته می شود:

- الف - فرزندان: اگر در عرض یکسال پس از ورود به هالند زندگی مستقلی را پیشه کنند، اگر در عرض یکسال پس از ورود به هالند ازدواج یا "یکجا زندگی کردن بدون عقد نکاح" را پیشه کنند،
- ب - همسر: اگر ازدواج در اثر طلاق فسخ شود،
- ج - شریک زندگی: اگر یکجا زندگی کردن بدون عقد نکاح را خاتمه بدهد.

هرگاه موردی از موارد فوق الذکر پیش آید، باید به

زودترین فرصت به پولیس خارجی محل اطلاع داده شود. آنگاه می توان برای اقامت بعدی در هالند درخواستی را نزد پولیس خارجی ارائه کرد.

اقامت بعدی در هالند

شرایط در بین يك خانواده می تواند تغییر کند؛ مثلاً طلاق صورت گیرد یا فرزندان خانواده راه زندگی خودشان را پیش گیرند. تحت شرایط ذیل يك فرد که در چارچوب قانون یکجا شدن دوباره خانواده یا تشکیل خانواده به هالند آمده است، علی الرغم چنین تغییراتی در شرایط خانواده می تواند در هالند بماند.

* همسر می تواند در هالند بماند اگر:

- حد اقل سه سال از ازدواج او گذشته باشد،
- حد اقل یکسال را بر پایه آن ازدواج در هالند بسر برده باشد.

در این صورت او اجازه اقامت مستقلی را برای یکسال دریافت خواهد کرد. طی یکسال او باید به جستجوی کاری برآید و اگر کاری پیدا نکند پس از یکسال باید هالند را ترک کند. در صورت یافتن کار اجازه اقامت تمدید خواهد شد. بشرطی که این کار حد اقل يك سال ادامه یابد.

اگر همسری سه سال در هالند بوده باشد، آنگاه (درصورت جدایی) می تواند درخواست تبعیت هالند کند. البته این مشروط به آن است که عقد ازدواج در تمام مدت سه ساله محفوظ بوده باشد. هرگاه فرد مذکور پنجسال یا بیشتر در هالند بسر برده باشد آنگاه می تواند درخواست اجازه سکونت کند. در این صورت باید از شرایطی از جمله عاید معین، برخوردار باشد.

* شریک زندگی می تواند در هالند بماند اگر:

- حداقل سه سال بر پایه يك رابطه ثابت در هالند بسر برده باشد.

سایر شروط مربوط به امکان اقامت دایمی و غیره مشابه مورد همسر است.

* فرزندان می توانند در هالند بمانند اگر:

- یکی از والدین هالندی باشد و بهنگام ورود به هالند صغیر بوده باشند، یا
- بیشتر از یکسال در هالند زندگی کرده باشند، و مرتکب جرایم جنایی نشده باشند.

اگر فرزندی به هنگام ورود به هالند بیشتر از ۱۸ ساله باشد، برای ماندن در هالند (در اثر تغییر در شرایط خانواده) باید سه سال در هالند زندگی کرده باشد. فرزندان که بیشتر از ۵ سال در هالند زندگی کرده باشند و سن شان بالاتر از ۱۸ سال باشد اجازه سکونت در هالند را دریافت خواهند کرد. فرزندان کوچکتر از ۱۸ سال اما بزرگتر از ۱۳ سال نیز در صورتی که خودشان عاید کافی داشته باشند، اجازه سکونت در هالند می گیرند.

فرزندان کمتر از ۱۸ سال که کمتر از ۵ سال هم در هالند بوده اند، مشروط به داشتن شرایط فوق الذکر، اجازه اقامت مستقل دریافت خواهند کرد. برای فرزندان کوچکتر از ۱۲ سال مقررات دیگری وجود دارد. برای اطلاع در این باره می توانید با پولیس خارجی محل تماس بگیرید.

استثنائات

برای تابعین دولت ترکیه مقررات دیگری ناظر بر حالتی که عقد ازدواج یا رابطه ثابت در کمتر از سه سال فسخ شده باشد وجود دارد.

برای معلومات بیشتر در باره یکجا شدن دوباره خانواده یا تشکیل خانواده و یا دریافت جزوات اطلاعاتی در این باره یا در باره: درخواست اجازه اقامت مؤقت، اعتراض

و شکایت، ضمانت خط و مسایل مالی می توانید به آدرس ذیل تماس بگیرید:

IND
Stafafdeling In- en Externe
Betrekkingen
Postbus 30125
2500 GC Den Haag
Tel : 070 - 370 31 24 / 31 44
Fax : 070 - 370 31 34

نکاتی چند از قانون جدید خارجی ها

(سال ۲۰۰۰)

ترجمه: احمد راتب فقیری

دوره عادی تصمیم گیری در مورد درخواست پناهندگی نباید از شش ماه تجاوز کند (فقره ۱ ماده ۴۰)

تمدید دوره عادی تصمیم گیری بخاطر تحقیقات در مورد شخص متقاضی پناهندگی نباید طولانی تر از شش ماه باشد (فقره ۵ ماده ۴۰)

تمدید الی یکسال صرف در حالات ذیل ممکن است (ماده ۴۱):

- حالت عدم امنیت مؤقتی برای پناهجو
- حالت عدم اطمینان امنیت مؤقتی و کوتاه برای پناهجو
- هجوم جمعی پناهندگان از يك کشور

قانون جدید خارجی ها که اصولاً توسط پارلمان هالند مورد تصویب قرار گرفته از آغاز سال آینده مورد تطبیق قرار می گیرد. غرض آگاهی هموطنان عزیز ما از محتوی این قانون از این شماره به نشر ترجمه مهمترین نکات این قانون میپردازیم. هرگاه خوانندگان آئینه در مورد مطالبی که نشر میگردد، سوالاتی داشته باشند، می توانند سوالات خود را بشکل تحریری به اداره آئینه ارسال دارند. تهیه کننده این مطلب خواهد کوشید در قسمت های بعد سوالات خوانندگان را حل نماید. ناگفته نباید که ما قانون را همانطوریکه است شرح میدهم بدون آنکه نظر خود را در آن انعکاس دهیم.

دوره استندرد برای تصمیم گیری در

قسمت درخواست پناهندگی

قانون جدید، همانند قانون سابقه برای تصمیم گیری در مورد درخواست های پناهندگی دوره استندرد یا عادی شش ماه را تعیین نموده است. اصولاً باید در جریان شش ماه بعد از امضای درخواست پناهندگی، فیصله تحریری اداری وزارت عدلیه به پناهجو برسد. ازین اصل صرف در موارد استثنایی تخلف شده می تواند. علت این استثنا می تواند در فرد پناهجو یا در شرایط کشور شخصی که پناهنده از آن به

هالند آمده است، تهفته باشد. بطور مثال پناهجو اظهار میدارد که چند ژورنالیست خارجی ها شاهد عینی مشکلاتش و یا فعالیت هایش بوده اند. کارمند وزارت عدلیه اسم این ژورنالیست ها را یادداشت میکند. چهار ماه بعد از مصاحبه، دوسیه پناهجو غرض تصمیم گیری به کارمند مربوطه تسلیم داده می شود. کارمند تصمیم گیرنده زمانی می تواند تصمیم بگیرد که صحت یا نادرست بودن ادعای پناهجو مبنی بر شاهد بودن ژورنالیست ها را تثبیت کرده باشد. برای این ژورنالیست ها استعلام میفرستد و میپرسد که آیا با پناهجو آشنایی دارند و از فعالیت ها و یا مشکلات او آگاهند یا خیر؟ هرگاه کارمند تصمیم گیرنده بیش بینی کند که چند هفته باقی مانده برای گرفتن عکس العمل ژورنالیست های متذکره و اتخاذ تصمیم اداری کافی نیست، میتواند درخواست تمدید دوره تصمیم گیری را بنماید. آمر فوقانی دوسیه پناهجو را مطالعه نموده و صرف در صورتی امر تمدید دوره استندرد را میدهد که تحقیق پیشنهاد شده برای اخذ تصمیم دقیق واقعاً ضرور باشد (ماده ۴۰).

تقاضای تمدید دوره تصمیم گیری استندرد می تواند مبتنی بر شرایط عمومی کشوریکه پناهجو آنرا ترك کرده است نیز باشد. ماده ۴۱ قانون خارجی ها تمدید دوره تصمیم گیری بر

کار (HLWGA) زدن و اهداف آنرا چنین تعریف نمودند: "تدوین پالیسی مشترك، درهم آمیخته، چند جانبه در قبال اوضاع حاکم در کشور های که بیشترین تعداد پناهجو و مهاجر از آنها به اروپا سرازیر میشوند. این کشور ها عبارتند از: افغانستان و منطقه همجوار آن، عراق، مراکش، سومالیا، سریلانکا و البانیا. "اا اکنون شش پلان عمل تصویب شده است. در هریک از پلان های کار امکانات مبارزه با علل مهاجرت وسیع مردم ارزیابی گردیده است."

(به نقل از اسناد منتشره توسط HLWGA). حکومت هالند طراح پلان عمل برای افغانستان است.

در اجلاس منعقدۀ تامپره در اکتوبر سال ۱۹۹۹، لایحه وظایف گروپ عالی کار تجدید گردید و توسعه داده شد. مشکل اساسی و حل مطلب عبارتست از انکشاف دادن پالیسی پناهندگی واقعاً اروپایی است که فراتر از اعمال دوجانبه قرار داشته باشد. هماهنگی خوب پالیسی در داخل کشور های عضو و در روابط دول عضو با همدیگر اولین شرط موفقیت این پالیسی است.

گزارش پیشرفت کار (HLWGA) منتشره در ۱۹ ماه می سال جاری حاکی از آنست که يك لیست اولویت ها که شامل اقدامات حیایی و کنترل می باشد تدوین گردیده است. مسأله تمویل این فعالیت ها هنوز مبهم است. آنچه تا حال روشن شده عبارتست از ۵ میلیون یورو که کمیسیون (ارگان اجرایی) اتحادیه اروپا در بودجه سال ۲۰۰۱ خویش بدینمنظور اختصاص داده است و وعده مشروط پرداخت ۵۰۰ میلیون یورو توسط دولت هالند میباشد. قرار است گزارش مفصل تطبیق همه "پلان های عمل" به اجلاس دسمبر سال ۲۰۰۰ "شورای سران دول اتحادیه اروپا در Nice تقدیم گردد.

اهداف HLWGA که فوقاً تذکار داده شد، بسیار مجرد، عمومی و غیر قابل فهم میباشد. البته کار این گروپ ظاهراً چند بعدی است و ظاهراً میخواهد با علل هجرت مبارزه کند، در عمل از میان ابعاد و پایه های مختلفی که برای HLWGA در نظر گرفته شده، صرفاً بر يك پایه و بعد بسیار تاکید شده است و آن عبارتست از "حمایت منطقوی از پناهندگان افغان". البته در باورقی های انتشارات HLWGA توضیح گردیده که وقتی از افغانستان و منطقه همجوار آن حرف میزنیم، منظور همانا پاکستان و ایران میباشد. بدینترتیب پلان آقای Cohen که در ۱۵ دسمبر سال ۱۹۹۸ با مظاهره پنج هزار نفری افغانها از تطبیق خارج گردید در اتحادیه اروپا بلون سر و صدا انکشاف داده شده و تدریجاً از يك خطر بالقوه به خطر بالفعل مبدل میگردد.

ب - پلان عمل طرح شده توسط

گروپ عالی کار (HLWGA) برای

افغانستان چیست و چه اقداماتی را

احتوا می کند؟

گروپ عالی کار از وضع سیاسی، اقتصادی و حقوق بشر در افغانستان، بررسی انتقادی بعمل آورده متعاقباً اهداف پلان عمل را چنین فورمولبندی میکند: "هدف اقدامات پیشنهادی در پلان عمل عبارتست از پایین آوردن تعداد پناهجویان افغان در اروپا و تأمین بازگشت آنها بوطن و یا پذیرش آنها در منطقه، عمدتاً ایران و پاکستان". به تعقیب جمله فوق و متصل به آن جمله اضافه میشود که: "خراب شدن وضع اقتصادی این دو کشور باعث ازدیاد پناهجویان افغان در اروپا شده است."

بدینترتیب می بینیم که اهداف عمومی مطرح شده در برنامه اصلی گروپ عالی کار یعنی "مبارزه با علل مهاجرت وسیع" از (افغانستان)، در پلان عمل محدود ساخته شده است به: "تأمین بازگشت به وطن و یا پذیرش در منطقه، عمدتاً ایران و پاکستان". جای بسیار تعجب است که در پلان عمل به هیچ اقدامی که متوجه بهبود وضع حقوق بشر و تأمین زندگی انسانی در افغانستان باشد اشاره نمی شود اما از "بازگشت بوطن" مکرراً حرف زده می شود. از جانب دیگر به خرابی وضع اقتصادی ایران و پاکستان اشاره می شود اما از اینکه

دولتهای ایندو کشور در لیست سیاه سازمان عفو بین المللی و سایر سازمانهای حقوق بشر در جهان قرار داشته و اختناق در آنها به اوج خود رسیده است اصلاً صحبتی بیان نمی آید. اگر به اقداماتی که غرض رسیدن به اهداف فوق طرح شده است نظری بیاندازیم واضح خواهد شد که ماهیت این اقدامات بسیار بیشرمانه تر از اهداف فوق میباشد. توجه کنید: "اتحادیه اروپا با هر دو کشور قرارداد پذیرش مجدد (اجازه دخول مجدد افغانها بدین دو کشور) را امضا نموده و ضمناً پروگرام بازگشت افغانها از منطقه بوطن شان را دنبال میکند". اگر جمله مذکور را به زبان ساده بگویم شکل ذیل را بخود می گیرد: "اتحادیه اروپا با ایران و پاکستان قرارداد امضا میکند مطابق به این قرارداد کشور های مذکور به افغانهای که از طریق این کشور ها وارد اروپا شده اند، اجازه بازگشت خواهند داد. افغانهای آواره در اروپا به منطقه برگردانده میشوند و افغانهای که در منطقه (عمدتاً پاکستان و ایران) زندگی میکنند، به كمك اتحادیه اروپا به افغانستان برگردانده خواهند شد.

گروپ عالی کار میداند که عملی ساختن پلان فوق به پول و سازماندهی ضرورت دارد. البته در قسمت تمویل سکوت اختیار نموده اما در قسمت سازماندهی اجراً پلان عمل می نویسد: "اتحادیه اروپا، کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR)، سازمان بین المللی عودت مهاجرین (IOM) و مقامات محلی (دولت های ایران، پاکستان،) باید همکاری های خود را درین زمینه تقویت بخشند". بدینترتیب حتی هم در لیست شرکاء این توطئه ضد افغانی و ضد انسانی شامل است.

غرض بستن راه ورود به اروپا بر پناهجویان افغان، در پلان عمل اقدامات دیگری نیز پیش بینی شده است. از جمله: "استخدام افسران متخصص برای کنترل ترافیک هوایی، مقررات سختگیرانه تر در مورد اسناد جعلی و یا جعلکاری شده و براه انداختن يك کمپاین وسیع تبلیغاتی در مورد عواقب ناگوار دخول غیر قانونی در قلمرو اتحادیه اروپا".

گروپ عالی کار، عصاره مطلب خود را در يك جمله چنین خلاصه کرده است: "افغانهای که هراس از تعقیب در کشور خویش دارند، باید امکانات آنرا داشته باشند که در ایران و پاکستان تقاضای پناهندگی کنند."

بدینترتیب پیام گروپ عالی کار بسیار واضح است؛ پناهجویان افغان که از طریق ایران و پاکستان به اروپا آمده اند به این کشور ها برگردانده شوند، افغانهای که در کشور خود مورد تعقیب قرار دارند باید درین دو کشور درخواست پناهندگی نموده عزم سفر به اروپا نکنند، افغانهای که در منطقه (عمدتاً پاکستان و ایران) زندگی میکنند یا ثابت کنند که در کشور خود مورد تعقیب قرار داشتند و یا به افغانستان برگردند.

ج - پالیسی حکومت هالند درین

رابطه:

حکومت هالند صریحاً خواستار تطبیق عاجل پلان های عمل بخصوص پلان عمل در مورد افغانستان شده است. هالند و جرمنی میزبان بیشترین تعداد پناهنده های افغان در اروپا اند. از آنجاییکه بنا به وضع افغانستان بازگرداندن پناهندگان افغان به کشور خود شان مناسب

نیست، در ماه می سال ۲۰۰۰ يك هیأت رسمی حکومت هالند از کشور های ایران و پاکستان بازدید بعمل آورد. نتیجه گیری های این بازدید ها در گزارش رسمی (Ambtsbericht) ماه می سال ۲۰۰۰ وزارت خارجه هالند ضمیمه شده است. درین گزارش رسمی تذکر داده شده است که به استثنای ترور یکعده افغانهای شناخته شده در پاکستان توسط طالبان، هیچ دلیل دیگری برای نا امن پنداشتن پاکستان برای افغانها سراغ نمیگردد. البته گزارش به خراب شدن وضع اقتصادی دو کشور متذکر اعتراف نموده و اقرار می نماید که پناهجویان افغان که بعد از سال ۱۳۷۱ وارد ایران شده اند اکثراً بصورت اجباری اخراج میگرددند. گزارش از پیدایش فاصله در روابط حکومت پاکستان با حکام افغانستان تذکر داده می افزاید که پاکستان اعلان

د پښتو په فولکلوري سندرو کی

د افغان او انگریز د دوهم جنگ انعکاس

د تیرې گڼې پاڼې

پوځونه یې کره جمعه

پرنگیان راغله زهیر هر یو وه په زړه غمگیر

ورسره پوځ د کشمیر (۲۵)

پایاب جوړ که بیان داسی به ووايي څوک شعار

خاوند که تار پتار (۲۶)

بله چارپيښته چې مقصود نومی شاعر ویلی ده بیا هم د افغان او انګلیس د دوهم جنگ له ماجرا سره اړه لری.

په منظومه کی په مختصر ډول د کابل څخه د امیر شیرعلی خان د وتلو جریان راغلی دی چې امیر یعقوب خان یی له بند څخه را ایستلی او د کابل تخت یی پر وسپاره او په خپله بلخ ته روان شو.

شاعر د بلخ یا مزارشریف پر ځای د میمنی نوم راوړی دی، دا به د شاعر بی خبری وه یا به هغه وخت کی دا مشهوره شوری وی چې امیر میمنی ته تللی دی.

په منظومه کی کابل ته د کیوناری د تګ او د محمد جان خان غازي قیام ته اشاره شویده شاعر د سردارانو عمل غندلی او دوی یی مسوول بللی دی.

په مختصر ډول یی د ۱۸۷۸ کال د وروستی میاشتی څخه بیا د ۱۸۷۹ کال تر نیمایی پوری څو غټی پیښی یادۍ کړیدی.

شاعر د محمد جان خان غازي د قدرت او قوت لمانځنه کوی او پردی هم تعجب کوی چې څرنگه یی د انگریز وینی چښونکی قوت ته مقاومت وکړ.

شاعر د محمد جان خان غازي د بریالیتوب دعا کوی.

داده اصلی منظومه:

د کابل چار بيته

پرنگی کیناسته کابل کی ډیر عالم طوفان شه

سردار یی ونيوه په چل کښی کور د امیر وړان شه

پرنگی ډیر ورکه دولت ورغی په کور (۲۷)

امیر ته نه شته ملامت نه یی وه نور زور

تینه یی خراب که سلطنت هلته کړو کور شه

یعقوب یی ټینگ ونيو بغل کی ورور نه کویان شه

چې یعقوب خان له بند خلاص شه کیناسته په تخت (۲۸)

موږ میمنی (۲۹) ته څو فرزند ده مهم دی سخت

کجاوی بار کړی نا پرسنده ځم په دا ساعت

شیرعلی پوه وه په اول کی خو د علی روان شه

شیرعلی ډیر په وایلو کی لاړو میمنی ته

مال دولت یی ټول تالاشه کوری خیلخانی ته

له غمه مړ شه سر بالا وه غوږ کپړدی د معنی ته

دده لیکلی په ازل کی خو د غلی روان شه

په نصیب ښکلی نه نوریری واوره زما جانه

یعقوب چې ورغی نیکسیر دا واوره له مانه

پرنگو ټینگ ونيو دستگیر هلته شه پښیمانه

د کمناړی په سخت بدل کی اوس ښکته بندیوان شه

د کمناړی ظالم بدل کی خان محمد یعقوب

کابل می ولیده لتار وېجاړ شه په سترگو خوب

په خوا ډیلی ښکته لتار وه پوه شه په مطلوب

پر هر عرض ستا بی ارزی ده پیښ درته نقصان شه

بی عرض ورځ د سردارانو ډیر ډیر دی په کی تنگ

تېښته عادت ده د ځوارانو نه کوی نورجنگ

په لار می نه څی د مشرانو وړه دی بی ننگ

محمد جان خان غازي غویل کی ودریده نشان

محمد جان خان غازي عجب و ټینگ شه ددی زورته

کفار بیا مړنده ادب بیا به نه څی پور ته

مقصوده ژاړه روز و شب څه دمکی لور ته

په عبشیاتو د ځان غل که عمر دی تاوان شه

یوه بله منظومه د مقصود گل شاعر ده چې په خیبر کی علی مسجد ته د کیوناری د لومړی راتگ صحنه پکی ترسیم شویده.

میراخوړ د امیر افسر چې د کیوناری مخه یی په علی مسجد

کی نیولی وه شاعر یی یادونه کوی. همدارنگه د محمد

یعقوب خان نیول او له هغه فراول د یوی واقعی په توګه یادوی او په پای کی د خپل حامی ابراهیم خان نوم یادوی خو اوس دا معلومه ده چې دا ابراهیم وروسته د انگریزانو سره ملګری شو او شاعر هم د هغه له خوا څخه حمایت کوی.

داده اصلی منظومه:

د کابل د جنگ چار بيته

جوړ یی که کدام ترلی لام کمناړی بره څی

جان جان څنگه جنگونه په کابل کیږی

جوړ یی که کدام ترلی لام چي پسی سم شنه

اوپښ ورته لو غم شنه

لاړ علی مسجد ته میرا خور ورته محکم شنه

واړه کار یی ځم شنه

څلور گزاره یی وکړه اوس په ماته د خبیږه څی

جوړ یی که کدام ترلی لام کمناړی بره څی

د لسو ورځو لار د میرا خور په یو منزل کیږی

جان جان څنگه جنگونه په کابل کیږی

د لسو ورځو لار د میرا خور یی په آس سور که نه

او دا هنر یی جوړ که نه

د منډی کړندی وه خان داخل یی په خپل کور که نه

او جوړ یی شر و شور که نه

ودریده امیر صاحب ته تاومی له څیږه څی

جوړ یی که کدام ترلی لام کمناړی بره څی

پرېښی یی لښکر دی چې په جنگونه په کابل کیږی

جان جان څنگه پرېښی یی لشکر دی انگریز

شپه ورځ غوښند (غویل) کیږی دا رنگ مصلحت وکه

اوزر یی مصلحت وکه

واپس یی کړی پلټنی دامیری لوی عزت وکه

او وروسته چا علت وکه

پر یی کمناړی که اوس خالی لاس له دفتره څی

جوړین که کدام ترلی لام کمناړی بره څی

ولی تښتی کابل یان د خدای په فضل ودریدل کیږی

جان جان څنگه جنگونه په کابل کیږی

رحمت شه په غازیانو غازي هر یو سربلند دینه

او نوم خوویی څرکند دینه

غازي محمد یعقوب چې یی روان که روغ یی خوند که

او ښکته یی نظر بند و نه

(که) هر څوک نوره نه که یکتنها به له تیره څی (۳۰)

جوړ یی که کدام ترلی لام کمناړی بره څی

رحمت شه په غازیانو خدای په هرچا مهربان شونه

او ځوار یی دښمنان شونه

کوره کمیدان ابراهیم خان (۳۱) ته ښی شغلی یی له بشره څی

جوړ یی که کدام ترلی لام کمناړی بره څی

سل روپی ډلی د مقصود د گل د کال په من کیږی

جان جان څنگه جنگونه په کابل کیږی

محمد جان خان وردک چې د افغان او انګلیس د دوهم جنگ

په دوران کی د ملی مبارزینو څخه یوه ځلانده څیره وه دلته

یی مبارزه د جلال آباد د بټی کوټ د شاعر "غریبی" په

منظومه کی راوړل شویده د منظومی په لومړیو بیتونو کی د

امیر شیرعلی سره د امیر عبدالرحمن خان د دښمنی په وجه

د محمد جان خان قتلیدل د شاعر له خوا د یوه خواشینی

عمل په شان یادیری.

په منظومه کی د کیوناری د وژلو یادونه راغلی او د اردل

پلټن هغه غوښتنه هم پکی یاده شویده چې د امیر یعقوب

خان څخه یی د پاته معاش غوښتنه کوله څو دا کار په بغاوت

منجر شو، یعقوب خان بندی بوتل شو او د انګریز سره

محمد جان خان توره وایستله. د انګریز تر ماتی وروسته چې

امیر عبدالرحمن خان راځی شاعر وایی چې هری خواته ضد

انګریز مبارزه شروع وه. امیر عبدالرحمن خان محمد جان خان

ووژی او په دی کاری بدنامی وکټله.

په منظومه کی د شمالی د میریچه خان یادونه هم کیږی او د هغه سره د پاچا کل په نامه د یوه بل ملی مبارز نوم هم اخلی.

د محمد جانخان د قتل

چار بيته

محمد جانخان غازي شهید له دنیا تیر شه نه

مړ که امیر (۳۲) په ټگی کیر شه نه

محمد جانخان چې د امیر (۳۳) سره نوکر شه نه

واړه عالم په داخبر شه نه

توپچی باشي او توریالی د جنگ افسر شه نه

پروت په ډکه ټینگ په خیبر شه نه

جنگ یی ښاکر کمناړی بری زورور شه نه

بر په توره کم یی لښکر شه نه

اسلام تری لاړ چپاو د کفر تری چاپیر شه نه

مړ که امیر په ټگی کیر شه نه

بیرنگی لاړ په جگدلی ورته ډیره شه نه

حال د وطن ورته ښکاره شه نه

د ټگی ډاگ یی چلاوه آخر ښکاره شه نه

ډ ډوه کابل زړه یی کره شه نه

چې څوک مومن وه هغه ټول په تراره شه نه

لاړ و اسلام ذره ذره شه نه

لافی وهلی کمناړی لاس په شمشیر شه نه

مړ که امیر (۳۴) په ټگی کیر شه نه

چې کمناړی کړ مردار دوی پی زهیر شو نه

هلته کی دوی د خان په ویر شو نه

لاټ (۳۵) جنگی او وار بټن (۳۶) ته دامنگیر شو نه

بیرته زخمی د ملا په تیر شو نه

جنگی ملکی لاټ حکمی په دا تقریر شو نه (۳۷)

ویی کره جلسه خوښ په امیر شو نه

محمد یعقوب یی کړ بندی وطن یی هیر شو نه

مړ که امیر په ټگی کیر شه نه

خان یی راخلاص کړو په مړدی نوم یی بلندی شه نه

په هر طرف ځکه څرکند شه نه

د جنگ ملگری دورانی غلجی مهمند شه نه

د ده له لاسه د کافرو خراب ژوند شه نه

نیت یی غزا سور په سمند شه نه

د دین په کار کی گرځیده شورښت (شهرت) یی ډیر شه

لښکر راغلی داردل (۳۸) په سالار باندی

عرض یی وکړ یعقوب سردار باندی

زمونږ ماجب دی پاتی شوی ستا په پلار باندی (۳۹)

غواړویی مونږ زر په تلوار باندی

یعقوب خان وکړ و سخت پیغور ورته په قار باندی

شلک یی وکړ کمتری کفار باندی

چاندی غازي د توری وړی په کښی سیر شه

مړ که امیر په ټگی کیر شه

محمد جان خان چې توره وکړه په اول باندی

عرض یی وکړ په پردی خپل باندی

عبدالرحمن سردار چې کښیناست په کابل باندی

ورک شه باور اوس یو په بل باندی (۴۰)

هر دم چپاو که میر بیچه (۴۱) او پاچا گل باندی

وژنی غازیان ډیر په زلزل باندی

زه غریبی په زړه زخمی جاری می شعر شه

"غریبی ساکن بټی کوټ علاقه ننگرهار (۴۲)"

د چارمیسې په چار بیته کی د انگریزانو سره یو د محلی

جنگ تصویر ایستل شویدی چې محلی خانان او مذهبی

پیشوایان یی رهبری کوی.

ملاخلیل د سوات صاحب شاگرد چې په جلال آباد کی د لوی

نفوذ خاوند و کلي په کلي وگرځیده او د ننگرهار او کونړ د

بیلو بیلو سیمو خلک یی راټول کړل خو کریم خان بی غیرتی

وکړه هغوی یی ویرول او دا لښکر د توپونو د ډزو سره مخ

تښتی ته ونيو او یو بل محلی خان میا حیدر هم عذر وکړ او

نو دا علت و چې د پښتنو د لښکر څخه خورا ډیر شهیدان

شول څو ملا خلیل بیا هم آرام نه کښیناست او د انگریز پر

ضد یی خپلی مبارزی ته ادامه ورکړه.

په دی کیرو دار کی د ملت شفی د زوی غدر ته هم اشاره سویده او دا د امیر یعقوب خان د پلار د تره زوی و چی د انگریزانو سره یی لاس یو کړی و او دغه د چارمیسې په جنگ کی یی د افغانانو د لښکر ملا ورماته کړه.

دا د افغان او انګلیس د دوهم جنگ په دوران کی یو محلی جنگ دی او اغلباً چی ددغه جنگ په آغاز کی هغه مهال چی د جنرال براون په قوماندانی د انگریز لښکر تر خیبر راتیر شو او جلال آباد ته راوړسید دا به د هغه وخت د محلی جنگونو څخه د یوه جنگ تصویر وی.

د ۱۸۷۸ کال د دسمبر په دوهمه نیمایی کی د خیبر له دری سیمه د سور اور په شان وه او په همدغه وخت کی جنرال براون چی کیوناری د سیاسی آمر په حیث ورسره وه په جلال آباد کی خپلی قواوی واچولی او د دوی سره له هری خوا جګړی پیل شوی.

د ۱۸۷۹ کال د جنوری ټوله میاشت د انگریز له لښکرو سره د ننگرهار په بیلو بیلو برخو کی ډیر محلی جنگونه شویدی. داسی گومان کیږی چې د چارمیسې د چار بیته شاعر به د دغو محلی جنگونو د یوه جنگ تصویر په خپله منظومه کی ایستلی وی.

دا چې په منظومه کی د کلاتک کاشکوټ، گوریك، امله، سرچ مزار، بوډیالی، دره نور او څوکی د خلکو یادونه کوی چی د ملاخیل تر قوماندی لاندی د انگریز مبارزی ته راوتلی دی نو معلومیږی چې د جنرال براون د حملی د وخت یو جنگ دی.

دا ده اصلی سندر ده چې د چارمیسې په نامه یادیری او شاعر یی هم علی جان دی.

د چارمیسې چار بيته

له چارمیسې نه څه ښایسته کلان لاړه

ټوټی ټوټی په رڼو تورو شهیدان لاړه

ملا خلیل (۴۳) وگوره څومره قوت ورسره

چې خبریده به عالم ته برابر ورسره

دا لاس نیوی و نه کودی میان حیدر (۴۴) ورسره

پلی سواره ورسره د خالو خان لاړه

ملا خلیل (۴۵) وگوره څومره خواری یی وکړه

کلی په کلی گرځیدو منت زاری یی وکړه

لښکر یی ټول که د لښکر جمع آوری یی وکړه

جنگ یی و نه کړ زړه ترقی په ارمان لاړه

ملا خلیل سره کاش کوټ او گوریکی راغلل

سرچ مزار څه امله وال کلا ټکی راغلل

څه بوډیال وال څه دری نوری څه چکی راغلل

چې د توپ ډز شه دا سر کوزی په دامان لاړه

ملا خلیل ویل زموږ ورتلو څنډ وکړ

چې بیرنگی د ښکته راته هرچایی څنگ وکړ

رحمت په ما شه د حضرت په دین می ننگ وکړ

جنگ می بنا که مخ په بیرته پیرنگیان لاړه

ناڅاپه غږ شه چارمیسې له رساله راغله

کریم خان (۴۶) وویل د سرونو حواله راغله

خوانانو تښتی چې زموږ په کله راغله

دی کریم خان سره دریاب له هلکان لاړه

د بیرنگی مچو لښکر د سپین صبا شینه

خاونده خدایه لا په مرگ باندی تباہ شینه

چې د توپ ډز شی داوړ شای (۴۷) دوټقا (۴۸) شینه

واړه گوډاکیان وو چې مخبر ته په میدان لاړه

په برنیکار می (۴۹) توری لوی سره پوځونه راغله

حساب یی نشته بی حساب عالمونه راغله

کلای ملک باندی د غازیانو بیرغونه راغله

جنگ یی و نه کړ د سپی زامن کفار لاړه

کلای ملک په شهیدانو دی رحمت وینه

توره یی کړی بلبلان به د جنت وینه

ملک شفی (۵۰) په زوی دی زر ځله لعنت وینه

بېلې یی واخستی خوشحاله پیرنگیان لاړه

د آغاجان خویندی چې

بقيه از شماره گذشته

محمود طرزی و سراج الاخبار

پوهاند عبدالحی حبیبي

مستقل و آزاد باشد... تا به حال هر چه که بود بود، هر چه که شد! لکن بعد ازین افغان آن افغانی نیست که از حقوق خود چشم پوشی بتواند...

(تخلیص از سرمقاله سانسور شده شماره دهم سال پنجم سراج الاخبار ربیع الاول ۱۳۳۴ ق ۱۷ جنوری ۱۹۱۶ م) با چنین نشرات تنبیهی و صراحت لهجه، تأثیر سراج الاخبار در داخل کشور منجر به احیای حرکت مشروطیت دوم و نهضت استقلال و تجدید بنیان دولت افغان گردید. اما در خارج مملکت هم صریحاً خامه محمود طرزی در گوشه‌های مردم، سامعه نواز بود و چشمهای خواب برده‌گان را باز میساخت.

برای مثال: در فبروری ۱۹۱۷ م جنرال کورا باتکین حکمران روسیه تزاری در ترکستان، تلگرامی به نمایندۀ روسیه تومیسکی که در هند بود فرستاد: که شماره‌های سراج الاخبار در بخارا و بلاد دیگر ترکستان منتشر میگردد و از مقالات آن احساسات ضد روسی و بریتانوی در مردم به جنبش آمده است، بنابراین باید دولت هند بریتانوی بر امیر افغانستان فشار آورد، تا این جریده خط مشی تبلیغی خود را تغییر دهد (۱).

تصدیق این سخن را نویسندۀ این سطور از مرحوم صدر الدین عینی پیشرو حرکت جدید فکری در مردم ماوراءالنهر و اولین رئیس اکادمی علوم تاجکستان در سنه ۱۳۲۵ ش در شهر قدیم سمرقند شنیدم، که در تاشکند در مراسم تجلیل سال ۲۵ پوهنتون آجا شرکت کرده بودم.

شاد روان عینی که مرد محترمی بود و به لهجه شیرین تاجیکی حرف میزد می‌گفت: "در ایام حکمرانی امیر خیر بخارا، جوانان تاجیک بیدار شده و او را به اصلاحات جدید و تأسیس مکتب و آزادی مطبوعات واداشته بودند. چون سراج الاخبار کابل و نوشته‌های محمود طرزی هم به ما می‌رسید و آنرا اندر خفا می‌خواندیم، گماشتگان امیر بخارا نمی‌گذاشتند و خوانندۀ سراج الاخبار را تعقیب و تنبیه میکردند. خوب بیاد دارم که روزی فطرت بخارایی يك شماره سراج الاخبار را در حجرۀ مدرسه بخارا بمن رسانید و در همان دم جاسوس امیر بخارا به تعقیبش آمد. ولی من آن شماره را در لحاف بپیچانده و از نظرها مخفی داشته بودم. اکثر شعری جوان تاجیک آنرا از بر میکردند. پیام سراج الاخبار در جوانان ماوراءالنهر خیلی تأثیرات نغز و نیکو داشت."

اما در هندوستان

قراریکه از اسناد محرمانه ۲۱ جولای ۱۹۱۶ م محفوظ در آرشیف ملی هند (شعبۀ داخلی سیاسی) بر می‌آید: شماره‌های سراج الاخبار علاوه بر اینکه در بازارهای بلاد افغانستان و قیابیل پشتو زبان سرحدی دست به دست میگشت، در جراید هند و پارس و کشور عثمانی نیز مطالب آن اقتباس میشد. بنابراین در سپتمبر ۱۹۴۱ م W.M. Haily چیف کمشتر دهلی به سر مامور اطلاعات جنایی Sir Charles Clive Land نوشت: چون لهجه سراج الاخبار به کلی منافی منافع ماست، باید ورود و توزیع آنرا در هند ممنوع قرار دهیم. ازینروست که نائب السلطنه هند در دسمبر ۱۹۱۴ م عدم نشر چنین مقالات را از امیر افغانستان خواسته و امیر هم وعده داده بود که چنین خواهد کرد. ولی لهجه پان اسلامی جریده تغییر نکرد و در شماره ۱۶ اپریل ۱۹۱۵ م شعر پشتوی (مولوی) صالح محمد (قندهاری) را به نشر سپرد، که تماماً مبنی بر پیغام اتحاد اسلام بود و گفت: که کفار در پیکار یکدیگر تماماً نیست و نابود خواهند شد.

اگر چه حکومت هند بارها درین باب، به امیر هوشدارها داد، ولی سراج الاخبار بر نگشت و بنابراین مستر A.H. Grant ناظر امور خارجه و سیاسی نائب السلطنه یاد آوری کرد: "مانیاید انتظار داشته باشیم که این جریده دفعۀاً طرفدار انگلیس خواهد شد، ولی با تکرار این هوشدارها، امیر را با رعایای خود دست بگریبان خواهیم ساخت. يك جریده که در کابل نشر میگردد، باید تمایلات اتحاد اسلامی و مخالفت با

وی از آیندۀ وطن سخت نگران و غمگین بود و می‌گفت: من ناچار اکنون میروم و باز به هجران وطن مبتلا میشوم، ولی از خدا می‌خواهم که این دیدار آخرین من از آن نباشد و پس برگردم. در حالیکه استقلال وطن بجا مانده و از نعمت امنیت برخوردار باشد.

"الا ای جوانان وطن! بیدار باشید که استقلال وطن را از دست ندهید! زیرا با بذل جانها، مالها و مساعی فراوان متصادی بدست آمده است." در پایان سخن به زبان پشتو گفت: "ما له خيله قندهاری استاد ملا محمد اکرم خخه دغه زده کړی وه، چی وطن مه هیروه!"

تأثیر فکری سراج الاخبار در خارج

سراج الاخبار تنها در داخل مملکت یگانه منبیه و جنبش‌بخشای فکر نوجوانان و مشروطه‌خواهان نبود، بلکه در محافل آزادی‌خواهان هند و مشروطه‌طلبان ایران و جوانان آسیای میانه که در شعله‌های آتش استعمار یا استبداد شاهان خودسر و خودخواه می‌سوختند، نیز جنبش‌آفرین و روان‌بخش بود.

بچشم کم منگر عاشقان صادق را

که این شکسته بهایان متاع قافله اند

بلی! کاروان یغما زده ملل مشرق از حرکت بازمانده بود. سکون مرگ آسا حیات مردم را تهدید میکرد. استعمار انگلیس، نیم قاره هند را کلو می‌افشرد، که از آنجا حدی خوانان خوش‌آهنگ برای بیداری ملی به زمزمه سرایی آغاز کردند. جرایدی امثال الهلال (ابو الکلام آزاد) و جبل‌المتین (سید جمال الدین) از کلکته و زمیندار (مولانا ظفر علی خان) از لاهور به نشر و تبلیغ آغاز کرده بودند. کاوه اقدام، وصور اسرافیل و غیره را ایرانیان بیدار و حق‌طلب نشر میکردند. پیروان سید جمال الدین افغانی در کشورهای عربی و ترکیه صحافت مترقی جدید را وقف بیداری ملی ساخته بودند. در چنین هنگامه رستخیز آسا، کشور افغان نیز از جنبش و کوشش و تپشی تهی نبود. محمود طرزی حدی خوان کاروان ملی ما بود و در بیدار ساختن مردم، مخلصانه میکوشید و حرکت فکری نوینی را بوجود آورده بود، مثلاً می‌نوشت:

حی علی الفلاح

نوا را تلخ تر میزن، چو ذوق نغمه کم یابی!

حدی را تیز تر میکن، چو محمل را کران بینی!

آری، آری! هر آنقدر که میتوانی نوا را تلخ تر بزنی! همانقدر که در حنجره ات بگنجد، حدی را تیز تر بکن. چرا که منزل خیلی دراز است و محمل بدرجه‌یی سنگین می‌رود، که صدا های حدی با آوازهای در اهادمساز آمده. شرق و غرب را دریک اهتزاز سامعه خراشی درآورد! اما هزاران افسوس! که شتران بار بردار محمل یار غمگسار را از کسالت و عطالت وانمی‌رهاند و قدم از قدم برنمیدارد...

صبح شد بر خیز! ساز راستی آسا نواز!

شام حرمان در عقب باشد چو وقت از دست شد...

"علی الفلاح! ای ملت نجیبه افغانیه! شرافت ملتی و عظمت قومی خود را محافظه کنید! استقلال و حاکمیت دولتی خود را صیانت نمایند! افغان که به دیانت و دین داری، به شجاعت و بهادری، به غیرت و ناموس شعاری در تمام دنیا مشهور شده باشد، آیا این را بر وجدان و ایمان و شرف و ناموس خود، چنان گوارا کرده میتواند که نام حمایت و تابعیت دولت اجنبی غیر دین و ملت برو بوده باشد؟... معنی صاف و صریح تابعیت و حمایت اینست که يك دولتی بدیگر دولتی بگوید که بغیر از من دیگری را نشان! بغیر از من بدیگر دولت نه سفیر بفرست و نه سفیر قبول کن! معنی صاف و صریح استقلال تامه و آزادی کامله نیز اینست که هر دولت در همه چیزهایی که در بالا مذکور گردید،

یکی از نخبگان هنر موسیقی افغانستان درگذشت



مرحوم استاد ملنگ نجراپی به دو تن از نوازندگان دیگر

بودند و دنبال استعداد های نو ظهور میگشتند، وی را بعد از آزمایش، در صف هنرمندان "کابل رادیو" پذیرفتند و معاش مستمری برایش تعیین نمودند. بعداً ملنگ نجراپی نه تنها از جمله هنرمندان شهیر و پرآوازه وطن بشمار میرفت، بلکه با گروه های هنرمندان افغانی چندین بار به کشور های خارج سفر و هنرنمایی نموده ساحه شهرتش در خارج سرحدات کشور نیز وسیعتر گردید.

ملنگ نجراپی با وصف آنکه چیزی از مکتب موسیقی نیاموخته، مدتی در لیسه موزیک شاگردان علاقه مند به زیرفغلی را درس داده است. همچنان دو شاگرد دیگری را درین رشته به ثمر رسانده و به جامعه تقدیم کرده است که یکی برادرش (محمد رضا) و دیگری فرزندش (غلام محمد) میباشد.

ملنگ نجراپی امتیازات و القاب و جوایز بیشماری از وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان بدست آورده که تفصیل آن در کتاب "سرگذشت موسیقی" ذکر یافته است.

پس از ورود جمعی از تفنگداران (بنام مجاهدین) در افغانستان و خاصاً بعد از آنکه کابل توسط گروه معروف به "طالبان" اشغال شد، در ساحات هنر و هنرمندان عموماً و در جمع هنرمندان موسیقی خصوصاً "زوالی" پیش آمد و هنرمندان بیچاره به هر کنار وطن و در هر گوشه جهان متواری گردیدند. و از آن شمار ملنگ نجراپی نیز تن به غربت داد و در کشور فرانسه اقامت گزید.

ملنگ نجراپی مردی خود ساخته یی بود که بدون مدرسه، آموزش و آموزگار نواخت و آموخت و جایگاهش را درین عرصه، منحصر به فرد ساخت.

او بزرگترین آوازخوانان را با زیرفغلی همراهی کرد، در گروههای موسیقی و ارکستر های بزرگ ماهرانه نواخت و همه اهل فن کارش را پسندیدند و هنرش را ارج گذاشتند. او سفر های بیشماری در داخل کشور و بیرون از مرز داشت و همه جا مورد استقبال فراوان قرار گرفت. در اتحاد شوروی آنوقت، پاکستان، ایران، جمهوری پیشین آلمان، چکوسلوواکیا، امریکا و کوریا سفر کرد و هنرش در همه سرزمین ها، مایه اعجاب تماشاگران و شنوندگان بیگانه گردید.

با این همه شهرت، افتخار و توانایی هنری، مردی بود فروتن، مهربان و خوش مشرب. همیشه لبخندی بر لب داشت و صمیمیتی بر زبان. از همه هنرمندان به نیکویی یاد میکرد و از کینه، حسد و رقابت های نکوهیده دوری میجست، اما ارادتی عظیم به استاد محمد عمر داشت و همواره انگشتان معجزه گر استاد را میستود.

زیباترین کار های استاد ملنگ نجراپی قطعاتی اند که با استاد محمد عمر نواخته است. یاد این دو هنرمند بزرگ زنده و جاویدان باد!

ملنگ نجراپی هنرمند پرآوازه کشور ما در دیار غربت جهان فانی را وداع گفت، ملنگ در روزگار خود شهره آفاق بود، این هنرمند شهیر از مرز های کشور فراتر رفت و به کشور های همسایه افغانستان و حتی در قاره اروپا توجه محافل هنری را بخود جلب نمود. موصوف طی سالهای اخیر که کشورش در آتش جنگ می سوخت در کشور فرانسه رحل اقامت افکند و درین دیار غربت نیز با هنرش به کشور و مردمش افتخار آفرید و سرانجام این فرزانه هنر در اثر مریضی سرطان در کشور فرانسه پدرود حیات گفت، روح اش شاد باد. اینک مختصری از بیوگرافی ملنگ نجراپی را خدمت خوانندگان آیینه گزارش میکنیم:

ملنگ نجراپی که باری در بخش موسیقی وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان در نواختن زیرفغلی ممتاز و درین رشته از شهرت کلی برخوردار بود، از همان گلهای خودروی است که در کوتاه مدت، از همقطاران خود پیشی گرفت و خود را به پایه هنرمندان درجه يك (در نواختن این آله) رسانید. گرچه تنی چند از "زیرفغلی نوازان" را در کابل می شناختم، ولی منصفانه باید گفت که هیچ يك به شهرت ملنگ نجراپی نرسیده اند. جناب استاد حسین ارمان، یکی از نخستین استادان موسیقی در فاکولته هنرهای زیبا، میگوید: "ملنگ نجراپی يك شخصیت بی نظیر در نواختن "زیرفغلی" بوده و این هنر را به پایه اکمال رسانیده است". همچنان جناب آقای عبدالوهاب مددی در کتاب "سرگذشت موسیقی معاصر در افغانستان" از وی به نیکویی یاد کرده. محل و سال تولد او را "قریه روزاخیل نجراپ" سال ۱۳۱۷ هجری شمسی، می‌آورد و می‌نویسد: "پدر ملنگ با آنکه پیشۀ دهقانی داشت، گاهگاهی در محل خود، آوازخوانی میکرد و پسر کوچکش ملنگ را وامیداشت تا هنگام آوازخوانی او را با نواختن زیرفغلی همراهی کند و بدینگونه ملنگ به نواختن دهل، دف و زیرفغلی کشانده شد. آقای مددی اضافه میکند که: "ملنگ در اوایل به دار و دسته هنرمندان محلی شامل و از شهرت بسیار خوب برخوردار گردید و سازندگان محلی او را بدیده قدر می‌نگریستند و سعی میکردند که او با ایشان همراهی نماید تا مجالس خوشی را رونق بیشتر ببخشد.

بعداً که ملنگ در محیط خویش به حد کافی شهرت یافت، با مشوره و تشویق دوستان، در سال ۱۳۳۸ ه.ش. به رادیوکابل مراجعه و خویشتن را بنام "ملنگ نجراپی" معرفی نمود. شخصیت های فهیم صاحب درك که در آن زمان مؤلف

گزارش مفصل جریان کار ...

بقیه از ص ۵

قابل یاددهانی است که محترم احد عزیززاده نسبت معاذیر صحنی جدی شخصاً قادر به شرکت در این اجلاس تاریخی نگردید به وسیله تلیفون موضوع را به موصوف گزارش نمودند و پس از قبولی محترم احد عزیززاده وی را در عهده دار شدن این مسوولیت کاندید نمودند و پس از رأی گیری با اتفاق آراء موصوف به حیث رئیس فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا انتخاب گردید.

بعداً برای انتخاب هشت تن اعضای هیأت اجراییه فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا به همان شیوه قبل از حاضرین اجلاس تقاضا بعمل آمد تا خود و یا اشخاصی را کاندید نمایند. ۱۶ تن از جمع حاضرین کاندید عضویت این هیأت گردیدند. با توجه به کمیت داوطلبان و رعایت اصول دیموکراسی قرار شد رأی گیری برای هر عضو هیأت اجراییه بصورت سری انجام یابد. صندوق رأی به محل معینه قرار داده شد. اسامی داوطلبان به تخته گزارش شد و کار رأی گیری آغاز گردید. حاضرین رأی خود را در برگ های مخصوص رأی می نوشتند و شخصاً به صندوق می انداختند، با شمارش آراء از سوی هیأت رئیسه اجلاس هشت تن به ترتیب ذیل با توجه به کمیت رأی برنده این انتخابات شناخته شدند:

- ۱- محترم احمد راتب فقیری
- ۲- محترم محمد شاه فروهد
- ۳- محترمه پروین سربای
- ۴- محترم سید نظام الدین وحدت
- ۵- محترم نبی هوشمند
- ۶- محترم استاد محمد ابراهیم سروش
- ۷- محترم لاهو
- ۸- محترم رفیع نیکو.

متعاقباً ۲۰ تن از نمایندگان سازمانها و پنج تن از شخصیت های مستقل به عضویت شورای نمایندگان پذیرفته شدند، بطوریکه از هر دو نهاد یکتن و پنج تن از شخصیت های مستقل مورد موافقت قرار گرفت. قابل تذکر است که این شورا در صورت پیوستن اعضای جدید باز گذاشته شده است. آنعه از سازمانهاییکه بعداً عضویت فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا را کسب نمایند، میتوانند در ترکیب شورای نمایندگان شامل شوند. شورای نمایندگان در حقیقت پارلمان کوچک جامعهٔ پناهندگان افغان مقیم اروپا است. این شورا در همکاری نزدیک با هیأت اجراییه تشریک مساعی دارد و از اجراءت هیأت اجراییه تا تدویر اجلاس عمومی بعدی سیانت می نماید.

هیأت اجراییه و شورای نمایندگان هیچ يك حق انحلال یکدیگر را نداشته این صلاحیت نزد اجلاس عمومی است. در صورت شکایت دو سوم از نمایندگان شامل این شورا از اجراءت هیأت اجراییه اجلاس عمومی دعوت میشود تا تصمیم لازمه را اتخاذ نمایند. در پایان اجلاس قطعنامه اجلاس نیز به رأی گذاشته شد و به تصویب رسید که بطور جداگانه خدمت هموطنان گزارش میشود.

این بود گزارش تفصیلی از جریان جلسات سه روزه فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا. در خاتمه باید خاطر نشان ساخت، اگر به تعاملات و ناهمواریهای گذشته نظر بیاندازیم باید این حقیقت را قبول کنیم که اقدامی از این دست و موفقیت از این نوع مایه مباحثات هر افغان وطندوست و مسوولیت شناس است. ما ادعا نداریم که نمایندگان همه اقشار و نهاد ها آنطور گه شاید و باید است در این اجلاس تاریخی حضور داشتند، ولی این را به جرعت گفته میتوانیم که این کمیت و کیفیت میتواند نماینده اکثریت جامعهٔ پناهندگان افغان مقیم اروپا شناخته شود. از طرف دیگر هر گام مثبت را ولو يك جمع کوچک بردارد باید از آن پشتیبانی و حمایت نمود. حقیقت امر اینست که هیچ اعضاض و سلیقه ای به جز مصلحت جمعی در کار نبوده، در کار دعوت این اجلاس فقط يك ملاحظه وجود داشت آن اینکه از دعوت نهاد های مطلقاً سیاسی و درگیر در منازعات ۲۳ ساله اخیر در افغانستان صرف نظر شد، دلیل آن هم نه تعصب در برابر گروه و یا شخص معینی بلکه ترس

از ایجاد سو تفاهمات بوده، این واقعیت را هر افغان با درک می پذیرد که حد اقل باید از نزدیک شدن با نیرو های درگیر و متهم در نقض حقوق بشر امتنا ورزید. البته حق فردی افراد وابسته به جریانهای سیاسی با هویت افغانی و پناهنده از قاعده بالا مستثنا است.

انتظار ما از جامعهٔ پناهندگان افغان مقیم اروپا این است که این نهاد بر خواسته از متن خویش را تنها نگذاشته به هر شیوه ممکن از آن حمایت و حراست نمایند. در خاتمه موفقیت فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپارا از خداوند منان مسئلت داریم. پایان

مکشی بر اهداف ...

بقیه از ص ۷

نموده که از ماه مارچ سال ۲۰۰۰ به بعد افغانها را بصورت خودبخودی بخیث مهاجر محسوب نکرده در مورد علل ترك وطن از آنها تحقیق خواهد کرد. ایران کشوريست که از سال ۱۳۷۶ بدینسو پروسه اخراج اجباری آن پناهجویان افغان را که بدون اجازه نامه اقامت در آن کشور زندگی میکنند، آغاز نموده است. البته در عمل سپاه و سایر ارگان های امنیتی ایران اسناد اقامت افغانها را در مقابل چشم شان از بین برده و خود شان را روانه مراکز اخراج میسازند. اینکه دولت هالند از مطالب بالا آگاهی دارد ولی باز هم خواهان "تطبیق عاجل" پلان عمل در مورد افغانستان است مسأله ایست درخور تعجب و تأمل. اگر واقعیت ها را از لایلای نشرات کمیساری ملل متحد برای پناهندگان UNHCR مورد مطالعه قرار دهیم حتی پالیسی رسمی دول ایران و پاکستان بیزاری مفرط آنها را از پناهندگان افغان نشان میدهد. دولت پاکستان موجودیت افغانها را عامل خرابی وضع اقتصاد کشور خویش و بخصوص ایالت صوبه سرحد دانسته و به کمک UNHCR صرف در سال ۲۰۰۰ صد هزار پناهجویی افغان را به افغانستان بازگردانده است. پاکستان در طول سرحدات خود با افغانستان ده ها پوسته کنترل افراز نموده تا جلو ورود افغانهای مهاجر را بگیرد. ایران از سال ۱۳۷۶ بدینسو بیشتر از صد هزار افغان را اخراج نموده است. بتاريخ ۱۳ ماه می سال ۲۰۰۰ دولت ایران رسماً اعلان کرد که اگر افغان های بدون کارت اقامت، الی ۱۱ اکتوبر سال ۲۰۰۰ از ایران خارج نشوند، آنها را مجازات خواهد کرد. UNHCR که اصولاً طرفدار بازگشت افغانها بکشور خود شان است در زمینه بازگرداندن پناهندگان افغان با ایران و پاکستان همکاری میکند. اما بخاطر تخفیف دادن به شدت عمل توسط نیرو های امنیتی ایران، مراکز تحقیقی در مورد افغانها در داخل ایران تأسیس و پوسته های نظارتی در در دو نقطه مرزی رسمی بین ایران و افغانستان افراز نموده است. UNHCR در شماره ۲۲ سبتمبر سال ۲۰۰۰ نشریه خویش Refugee Daily از اینکه ۳۰۰۰۰ پناهجویی افغان که قادر به اخذ سند اقامت از دولت ایران نشده بودند مجدداً تقاضای پناهندگی کرده اند خبر داده است اما از اینکه چه تعداد شان جواب مثبت دریافتند اند تا حالا خبری نیست. سوال اینجاست که چگونه همین سازمان بین المللی که ارگان رسمی ملل متحد بوده و هدف رسمی آن نیز کمک به پناهندگان می باشد، حاضر است در تطبیق پلان عمل اصولاً همکاری کند؟ آیا اشتراك UNHCR در تدوین و تطبیق پلان عمل باعث خدشه دار شدن نام و ماهیت UNHCR نمیگردد؟ آیا همانطوریکه UNHCR ادعا دارد ده زون امن در افغانستان سراغ شده می تواند؟ آیا دعوت نمودن دولت فرانسه به همکاری همه جانبه در تطبیق پلان عمل با اساننامه UNHCR در تضاد نیست؟

د – موضع سازمان عفو بین المللی و

سایر سازمان های غیر دولتی :

سازمان عفو بین المللی از بی ثباتی وضع حقوق بشر در افغانستان صحبت می کند و ادعا دارد که گروپ

عالی کار باید موقعیت خاص کروب های ضربه پذیر (Specific risk groups) را مورد غور قرار دهد.

در رابطه با پذیرش منطقوی سازمان عفو بین المللی بدین نظر است که پذیرش منطقوی برای پناهجویان افغان راه حل مصوون پنداشته شده نمی تواند. بخصوص ایران که خرابی وضع اقتصاد بر جو سیاسی آنکشور تأثیر منفی گذاشته است و درجه اثرمندی کوشش های UNHCR بر اقدامات دولت ایران بسیار ناچیز است. سازمان عفو بین المللی معتقد است که قرارداد پذیرش مجدد بین اتحادیه اروپا و پاکستان امنیت پناهجویان برگردانده شده را تضمین کرده نمی تواند. زیرا بین ایندو کشور سرحد باز وجود دارد. سازمان عفو بین المللی معتقد است که قرار داد

پذیرش مجدد در عمل به تخطی از اصل عدم اخراج (non-refoulement) می انجامد؛ اصلی که در اکثر اسناد بین المللی حقوق بشر تضمین گردیده است. سازمان عفو بین المللی اظهار داشته که "پذیرش پناهجویان در منطقه" صرف در صورتی قابل قبول خواهد بود که در کشور های منطقه معیار های بین المللی حقوق بشر رعایت شود.

سازمان غیر دولتی حقوق بشر بنام State watch سازمان عفو بین المللی هم نظر است. سازمان دیگری بنام ECRE از اصل عمومی "مبارزه چند یعدی با مهاجرت وسیع" طرفداری می کند اما با اینکه صرف بر يك بُعد قضیه یعنی کنترل هجرت تأکید گردیده و سایر ابعاد بباد فراموشی سپرده شده است مخالف است.

ه – موضع فدراسیون سازمانهای

پناهندگان افغان در اروپا (FAROE) و

فدراسیون انجمن های پناهندگان

افغان در هالند (FAVON):

هیأت رهبری FAROE و FAVON مخالفت جدی خویش را با پلان عمل بخصوص پروگرام های "پذیرش منطقوی" و "قرارداد پذیرش مجدد" اعلان داشته اند.

در قطعنامه منتشره توسط کنگره مؤسس FAROE تذکار یافته است که فدراسیون موصوف معتقد است که پلان عمل کروب عالی کار با واقعیت های موجود در افغانستان و کشور های همجوار آن سازگاری نداشته و به نقض حقوق بشر پناهندگان و پناهجویان افغان می انجامد. قرار است FAROE و FAVON در میتنگ مقدماتی که در ماه نوامبر در آستانه اجلاس شورای سران دول عضو اتحادیه اروپا دایر میگردد، فعالان اشتراك نموده صدای پناهجو و پناهنده افغان را مبنی بر مخالفت جدی با پلان عمل به گوش مقامات اروپایی و سازمان های بین المللی ذیربط برسانند. هر دو فدراسیون ابراز داشتند که انکشافات اوضاع را دقیقاً تحت نظر داشته و عندالموقع هموطنان مهاجر ما را در اروپا در جریان تحولات خواهند گذاشت.

محمود طرزی و ...

بقیه از ص ۹

خارجی ها داشته باشد. اگر شماره های دیگراین جریده هم اینچنین تند باشد، ما باید امیر را بر وضع دوستانه پی که خودش درین باره اختیار نموده بگذاریم ..."

این یادداشت را کرات بتاریخ ۲۱ جولای ۱۹۱۵ م نوشته که در آرشیف ملی هند محفوظ است. ولی چون سراج الاخبار در شماره های بعدی همان روش را ادامه داد، بنابراین کرات سیاست ترمش در مقابل آن اتخاذ کرد و نوشت : "اگر ما در مقابل سراج الاخبار، روش تندی را عملی سازیم، موجب شدت عمل گروه طرفدار جنگ در کابل خواهد بود. بنابراین اگر امیر بر سیاست بیطرفی خود مستقیم باشد، باید درینگونه مسایل زیاده ازین نه بپچیم.

بالاخره سیاست حکومت هند بریتانوی تقاضا کرد، که مانع توزیع تمام شماره های سراج الاخبار در هند نگردد و تا وقتی که خود امیر یا کارگزاران افغانستان درین باره چیزی نگویند، حکومت هند نیز خاموش ماند و این پالیسی در نوشته های ۳۱ اکتوبر ۱۹۱۶ م ضبط شده است. (آرشیف ملی هند، دهلی)

د آزادی

غوبتونکو ...

د شپږم مخ پټي

احمد خان په احمدشاه بدل شو خو د ده د ژوند شکل هماغسی ساده پاته شو. احمد شاه چه اصولاً د میرویس بابا د ناتمامه انقلاب اهداف تعقیبول، د ده په شان شاهی تاج پر سر نه کښینود او پر ځمکه باندی کښینستل. ده کوبښ کاوه چه خپل فامیل د دولتی مقاماتو نه لیری وساتی. قومی مشرانوته احترام درلوده او د هغوی نظریاتو ته د درناوی په سترگه کتل. احمد شاه د پایتخت د امنیت د پاره د اجیر لښکر په جوړولو لاس پوری کړل او قبايلي عساکر د پایتخت نه لیری ساتل. د احمد شاه په شاهی لښکر کی چه شپاړلس زره منظم عسکر او صاحب منصب او دیرش زره غیرمنظم عسکر شامل وه.

د افغانستان د ارضی تمامیت د ترلاسه کولو کار د احمد شاه لخوا د ده د انتخاب نه دری میاشتی وروسته شروع شو. احمد شاه چه د افغانستان د ټولو اوسیدونکو د حقوقی په تساوی عقیده درلود، او خپل دا عقیده په عمل کښی هم ثابتول، ډیر ژر د افغانستان ارضی تمامیت تأمین کړل. معلومداره خبره ده چه په گاونډی هیوادونو کښی د یو قوی مرکزی دولت نشتوالی د احمد شاه د کوبښونو په بریالیتوب کښی بی تأثیره نه وه، خو احمد شاه د یو قوی او مدبر سیاسی او نظامی شخصیت په حیث، پدغه بریالیتوبونو کښی اساسی رول درلود. احمد شاه چه د خپل خدماتو په اساس د بابا او غازي په نامه یادیده، کوبښ کاره چه د هیواد په اداره کښی د افغانستان ټول اتباعو ته برخه ورکړی. د مثال په ټوگه، لاندی کسان د احمد شاه بابا مقتدر والیان وه : د هرات د ولایت والی درویش علی هزاره، د نیشاپور د ولایت والی عباس قلی بیات، د کلات د ولایت والی اشرف غلجایی، د بلوچستان والي نصیر خان بلوخ، د پنجاب والی زین خان مهبمند، د مشهد والی شهرخ افشار، د کشمیر والی خواجه عبدالله خواجه زاده، د پتیاله والی امیر سنگ، د سند والی نورمحمد شهنواز، د ملتان والی شجاع ابدالی. په مرکزی تشکیلاتو کښی هم په مهم دولتی وظایفو کښی د کفایت او تخصص پر بنا افراد ټاکل کیدل پرته د دی چه د هغوی ژبه او یا نژاد په نظر کی ونیول شی. د مثال په ډول د احمد شاه بابا د دارالانشأ رئیس میرزا هادی قزلباش د افغانستان عمومی مستوفی میرزا علی رضا قزلباش او د افغانستان عمومی خزانه دار یو نفر هندی الاصل د یوسف علی التفات خان په نامه وه.

د افغانستان د مرکزی دولت بیا جوړول او د مرکزی دولتی دستگاه او اردو د جوړښت د پاره پیسی ته ضرورت وه، د بلی خوا څخه احمد شاه بابا غوښتل چه قبايلي رهبران او هغوی مسلح قوا د افغانستان د مرکز څخه لیری وساتی ترڅو چه ده د دی موقع پیدا کړی چه د مرکزی حکومت د تشکیلاتو په جوړلو او تحکیم باندی کار وکړی. د دغه دوو اهدافو تر لاسه کولو د پاره احمد شاه دراني د افغانستان د طبیعی سرحداتو ته بهر څو وار لښکرکشی کړی ده. له بله پلوه د نورو ملتونو په خاوره کښی نظامی تجاوز، د احمد شاه بابا په دوران- کښی، د نن په شان د غندلو وو خبره نه وه. د بین المللی حقوقو اصول او مؤسسات حتی په اروپا کښی لا موجوده نه وه. خو سره د دی هم په مرکزی هندوستان باندی یرغل او د مرتهبه د حکومت له مینځه وړل د احمد شاه بابا د خارجی سیاست یو اشتباه گنل کیږی. ځکه چه د مرتهبه حکومت د انگریزی استعمار پر ضد یو مانع گنل کیده. که څه هم انگریزان د احمد شاه بابا په وخت کښی خپل استعماری اهداف د تجارت تر پرده لاندی پټ کړی وه خو د هغوی خطر باید جدی نیول شوی وای. لنډ دا چه احمد شاه، د افغانستان د طبیعی سرحداتو د ترلاسه کوونکی او د معاصر افغانستان د بنسټ ایښودونکی په حیث بی شکه د بابا د لقب مستحق وه.

ادامه لری ...

آيينه خوانندگان

سلام های ما هم نثار آقای نورستانی بلخی

باد؛

ازينكه با ديدن نشریه آيينه در محيط مهاجرت و دور از وطن احساس مسرت براي‌تان دست داد كه نيتوانيد با كلمات بيان كنيد ما هم بايد اضافه كنيم، كه خوشی شما هموطنان و خدمت برای هموطنانی چون شما آرزوی ماست. بايد در پاسخ سوال گفت كه اين نشریه تقريباً در همه AZC و OC هالند ارسال می شود، ما هم خوشوقتيم كه لابلای نشریه تان بوی صفا و صميميت، اتحاد و اتفاق دور از اختلافات، عقايد سياسي، زبان، مليت و مذهب حس کرده ايد. تيريكی کارکنان نشریه آيينه را جهت باوری كه برای ايجاد فدراسيون اروپايی داشتند بپذيريد، زیرا اين فدراسيون به تاريخ اول اکتوبر سال جاری بعد از انتخابات و رأی گيری تأسيس گرديده و آماده خدمت گذاری برای مهاجرين افغان در قاره اروپا می باشد كه درين شماره در زمینه معلومات کافی تقديم تان می گردد. موفقيت تانرا آرزو می نماييم.

دوست با احساس آقای نصير احمد دستگير از

شهر ويزپ سلام؛

نامه مصلو از احساسات وطن دوستی تانرا گرفتيم. ما هم به نوبه خود اين عمل نيك را نيكو شمردۀ از بعضی ها در زمینه درخواست معلومات كرديم مگر تا بحال برای ما معلوم نيست كه اين جوانان تا بچگا رسیده اند و يا كه منصرف شده اند. لذا خواهش ما از شما و ديگر دوستان اين است كه هرچه زودتر ما را در جریان يگذازييد تا فدراسيون تان داخل اقدامات جدی تر و عملي تر گردد. جهت معلومات هموطنان خوش نامه تانرا آنچه‌تان كه قلم زده ايد به دست نشر می سپاريم. موفق و كامگار باشيد.

(راه پيمایي صلح)

دی شيخ با چراغ همی گشت گرد شهر

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

هم وطن عزيز و خواننده گرامی !

بتاريخ ۲۴ اگست ۲۰۰۰ راديو BBC گزارش داد كه بتعداد ۱۶ تن از جوانان مهاجر افغان مقیم ایران كه متعلم و يا فارغ التحصيل مكاتب افغانستان و ايران هستند، با الهام از بيت بالا چراغ بدست با شعار "از دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست" بتاريخ ۲۸ اسد روز جشن استرداد استقلال وطن عزيز ما، از خاك افغانستان به مقصد ژنيو راه پيمایي صلح را كه ۱۰۰۰۰ كيلومتر مسافه دارد توسط بايسكل آغاز نموده اند و فعلاً در داخل خاك ايران به سمت تهران در حركت هستند تا پیام جوانان افغانستان را كه تشنه صلح، ديموكراسی و تحصيل هستند به گوش سازمان ملل متحد برسانند. اينها هم چون شيخ در صدد انسان واقعی در جمع قوت متدان چراغ بدست از قلب آسيا تا غرب اروپا رنج سفر ده هزار كيلومتری را بخود هموار نموده اند. آنهم با امكانات بسيار محدود و با بايسكل كه كاريست پس بزرگ و هدفيست پس سترگ، والا و انسانی تا باشد كه توجه سازمان جهانی، اين آخرين مرجع اميد مردم افغانستان برای تأمین صلح و ديموكراسی در کشور شان جلب نمايند و نشان بدهند كه افغانها آنقدر تشنه صلح هستند كه حاضر اند با قبول رنج و زحمت ده هزار كيلومتر راه پيمایي، ندای صلح خواهی خود را از نزديك به گوش های حزين آقايتون قوت و صلاحيت ويتو برسانند. شايد اين جوانان با درد به علل گوناگون جوی، سياسي، اداري و غيره نتوانند به ژنيو برسند با وجود آنكه از کشور های تركيه و آلمان وعده همكاری دريافت نموده اند ولی رسيدن آنها به يکی از دفاتر ملل متحد ولو در هر گوشۀ دنيا باشد، در واقع رسيدن به مقر ملل متحد است، كه بايد به چنين جسارت و شهامت ارج گذاشته شود و اگر توانستند به همه مشكلات فايق آيند و به اروپا برسند، اميدوارم فدراسيون انجمن های مهاجرين افغان مقیم اروپا و فدراسيون انجمن های مهاجرين افغان مقیم هالند و همه افغانان مهاجر مقیم اروپا از هيچ نوع كمك های مادی و معنوی و بدست آوردن ويزۀ کشور های مسير راه شان با اين جوانان وطن دريغ نمايند تا به اين هدف شريفانه و انسانی كه نذای ميليون ها انسان کرۀ زمين است موفق شوند. همچنان به جوانان مهاجر افغان مقیم اروپا پيشنهاده ميگردد از اين جوانان محروم وطن پشتيبانی نموده از ورود آنها به اروپا تا ژنيو آنها را همراهی و بدرقه نموده و در داخل اروپا از ۱۶ نفر ۱۶ هزار نفر يسازند تا به صدای رسا تبديل گردند و تاج ملل متحد را بلرزانند و به يادشان بياورند كه افغانستان نيز ملتی از اين ملل متحد است و عضويست به درد روزگار آغشته و ديگر عضو ها راحت و قرار كه نشايد نام شان نهاده آدمی، و شايد عملاً و صادقانه در راه برگشت صلح و ديموكراسی در افغانستان اقدام نمايند و چراغی را كه اين جوانان چون سمبول آخرين مشعل معرفت از افغانستان با خود آورده اند به جناب سرمشی ملل متحد بسپارند كه جناب شان آنرا فروزان نگه دارند و در عوض زمينه

فروزان شدن هزاران مشعل علم و معرفت، صلح و ديموكراسی را. در افغانستان مساعد سازند و يا اينكه با دستان خود آنرا خاموش سازند و يا دود آن نقطۀ ختم به تاريخ علم و معرفت، صلح و ديموكراسی در افغانستان بگذارند. نصير احمد دستگير

خواهر با درك فريده جان نيازی را سلامها و

درد گرم تقديم باد؛

شما كه ۲۲ سال قبل به هالند آمده ايد و در آن زمان كودكی بيش نبرديد هزار ها تحسين ما بر شما و احساس والای تان باد! مرحبا به اين املا و انشا و حسن خط كه در عالم مهاجرت با پشتكار خوشی آموخته ايد. ما هم برای اينكه تونهالان وطن درين راستا تشويق شوند با افتخار نامه تانرا به نشر می سپاريم. به اميد اينكه زخم مادر وطن با مرحم گذاری شما جوانان شفا ياب گردد، شما را بخداوند می سپاريم.

(بنام خداوند مهربان)

با عرض سلام و احترامات بی اندازه بحضور برادران و کارکنان جريده آيينه؛ ذره ذره وجودم را نثار اين ايثار داشته و می دارم. مرحمت، بشر دوستی و افغان دوستی تان، فعاليت مردانه و اقعانه تان، احساس و غرور افغانيت را در نهاد خوراهران و برادران افغان زنده می دارد. شما با اين فداکاری و لطف تان قلبهای پاشيده و رنجور مردم کشور مان را جمع کرده و معالجه می كنيد. آرزمان كه کشور محبوبم را ترك گفتم طفل بودم، ۲۲ سال است كه کشورم را ندیده ام ولی با مطالعه و كنجكاوی خود را به فرهنگ و كلتور جاويدان خود رسانده ام. آيينه يی كه امروز شما بدستم داديد خود را بطور تفسير شناختم. علما و نويستنده های كه نامه ها می فرستند و اشعار می فرستند مشاهده می شود كه افغانستان زنده است. قلم هريك شان را بوسيده و جهاد شان را جاويد می گويم. افغانستان نمی ميرد، با زنده بودن يك فردش هم افغانستان افغان ستان است. خاك خانه شكسته ام را بوسيده و در قلم می گریم. مفتخر، سرافراز، جاويد و موفق باشيد. فريده نيازی ۲۱ اگست ۲۰۰۰

محترم آقای وحيدالله سكندری از لندن؛

اميد سلام و احترامات کارکنان نشریه آيينه را شما و انصاحب قبول فرماييد. از سفری كه بعد از ده سال در پاکستان داشتيده اظهار نموده ايد كه با عالمی ياس و نا اميدی بخاطر حالت رقتبار افغانان مقیم آن ديوار، دوباره به لندن برگشته ايد و يك قطعه شعری از مرحوم پسر آغاصاحب كه شخص عاقل و فهميده يی است و مانند هزاران غمديده افغان در غربت زندگی می كند جهت تسكين اين پدر داغديده به ما ارسال داشته ايد تا بدست نشر بسپاريم. بايد گفت كه ما افغان ها در مدت ۲۱ سال انواع و اقسام جور و ستم، كشتر و قرار تحمیلی از وطن آيايی خوش را متقبل شده ايم، خداوند روح همه شهدای وطن را كه بخاطر آزادی افغانستان از خون شان دريغ نورزيده اند شاد بخرداند و از آنجمله طالب مغفرت برای پسر تان از ايزد متعال می شويم. اينك سروده يی پسر تانرا با ابراز سپاس از آقای سكندری بدست نشر می سپاريم. بعد از آرزوی صلح در افغانستان شما را بخداوند می سپاريم.

صبر الهی

خدا گر پرده بردارد ز روی کار آدم ها

چه شادی ها خورد برهم چه بازی ها شود رسوا

چه كاذب ها شود صادق چه صادقها شود كاذب

چه عابد ها شود فاسق چه فاسق ها شود ملا

عجب صبری خدا دارد كه پرده بر نمی دارد

وگر نه بر زمین افتد ز جيب محتسب میسا

دوست محترم سیدی صاحب را سلام تقديم

ميداريم؛

نامه محبت آميز تانرا گرفته و مطالعه كرديم. کارکنان آيينه احترامات متقابل تقديم تان می كند. بايد در پاسخ سوال تان گفت كه وجه اشتراك سالانه دوج همين نشریه است. ازينكه ميخواهد در آينده همكار اين نشریه باشيد و ازين طريق مصغر خدمتی در جهت علم و فرهنگ افغان شويد قلاً ابراز سپاس از شما می كنيم و بی صبرانه منتظریم، با تقديم احترامات فايقه.

هموطن محترم آقای گل محمد كوهستانی

سلام؛

قرار گفته شما طاق ظفر يادگار تاريخی و افتخار ماست. ازينكه از ديدن فوتوی آن مسرور گشته ايد ما هم مسروريم. از تشويق تان نهايت

ممنونيم. سوال های تانرا هم چنانكه ماده وار نوشته ايد، ماده وار بجواب آن می پردازيم ؛

۱- ما فعلاً بنا به مصروفيت زياد ارتباط كتبی را لازم ديده ايم. در صورت امكانات بعداً شماره تيلفون هم خواهيم داشت. فعلاً از شماره های تيلفون ما تنها در صورت خدمات عاجل استفاده می كنيم.

۲- دوستی كه از ايشان كله كرده ايد عنقریب جلد دوم تاريخ محترم غبار را خدمت تان تقديم می كند. ما شاهدیم كه آن دوست سخت مصروف بود. ازينكه يك روز منتظر ماندید تا به كنفرانس علمی وحدت ملی در شهر لايدن سهم بگيريد، ما معذرت دوست تانرا وسيله می شويم.

۳- ازينكه وجه اشتراك سالانه تانرا پرداخته ايد خیلی ممنونيم. بد نيست اگر لطف نموده كاپی سند آنرا بما نيز ارسال بداريد.

۴- مراد از كلمه "مسرانه" درينجا اسرار يا تأكيد ميباشد.

لطف الهی بدرقه راه تان باد.

دوست محترم آقای نجيب الله عزيز مسوول

مؤسسه اطفال جنگ زده از امريكا؛

سلام های ما را نيز نپذيريد. نامه و عكس های ارسالی تانرا دريافتم. از فعاليت های تان جهت تر ساختن حلقوم خشك تشنگان افغان آگاهی حاصل نموديم. مرحبا به افغانانی چون شما كه به هر گوشه و كنار دنيا كه باشند وطن را با همه مصيبت هايش فراموش نمی كنند و می خواهند به هر شرايطی كه ياشد مصغر خدمتی برای وطنش و وطندارانش شود. متأسفانه نامه تان وقتی برای ما رسيد كه نشریه آيينه صفحانش ديگر ظرفيت نشر پروژه های شما را نداشت. ما قلاً يك كست ويديویی از فعاليت های شما را در پاکستان دريافت نموده ايم مخصوصاً كمك های مؤسسه شما برای زنان افغان كه شوهران شان يا شهيد شده اند و يا فعلاً در افغانستان بندی اند و از نهايت مخيورت در پاکستان دست به كدايی زده اند، نهايت قابل قدر است. بخشی ازين فلم را از طريق راديو تلوزيون آسمایی در هالند بدست نشر سبرده ايم. به هر صورت احساس و فعاليت تان برای کشور ما درخور ستايش است. به اميد آنكه روزی دشت های خشكيدۀ وطن را آبياری نموده و خرم سازيد. به شما آرزوی موفقيت می كنيم.

محترم حفيظ الله سنگرمِل؛

نامه ارسالی تان را گرفتيم. از اينكه آيينه را يك نشریملخواه يافته ايد بسيار تشكر. در رابطه با انتقاد تان در مورد "بيطرفی افراطي" نشریه ما بايد گفت كه اگر منظور شما بيطرفی سياسي باشد، قضاوت شما را درين قسمت كه ما بيطرف هستيم" ميپذيريم. اصولاً آيينه به متابه ارگان نشراتی يك سازمان اجتماعي - كلتوری پناهنده ها بايد از نظر سياست گروهی بيطرف بوده و جانب هيچكس را نمی گيرد. و اما اطلاعیه تان را اينك به همان شكل كه خود شما نوشته ايد انتشار ميدهيم؛

به اطلاع تمام پناهندگان افغانستان، اين قربانيان حقوق بشر رسانيده می شود كه وزارت خارجه هالند طی يك راپور رسمی كه به اتكای اسناد معتبر ارايه شده توسط بيشتر از سی سازمان جهانی حقوق بشر انتشار يافته است، از روی جنايات جنگی و آنانيكه حقوق انسان را پامال کرده اند پرده برداشته است. شما می توانيد به اين راپور وزارت خارجه از طريق آدرس انترنت ذيل دسترسی پيدا كنيد؛

www.buitenlandaezaken.nl
rubriek nieuws
Ambtsbericht 29 - 2 - 2000

سیری در تفسير معانی بيدل

در رهش چون خامه کار پستيم بالا گرفت

آنچه بيدل ناخن پا بود شد مژگان مرا

پيوسته به گذشته

كلمات و اصطلاحات:

خامه بمعنی قلم نی، بالا گرفتن؛ مراد از رونق گرفتن و پيشرفت است. ناخن پا: كنايه از تنزل و خوارى و مژگان: در اینجا كنايه از بلندی و رفعت است.

توجيه و تحليل بيت:

طوريكه ملاحظه می شود ابوالمعانی بيدل اكثرأ موضوعات را در لباس عبارات نازك می پيچاند و معانی باريك را طوری در كلام می گنجاند و به نحوی مورد استعمال قرار می دهد كه از يكتطرف عبارت حُسن صورت می پذيرد و از طرف ديگر معانی آن به شكل تحليل و تعبير می شود، چنانچه در اين بيت همين روش را كار بسته و با بكار بردن صنايع ادبی مضمون را دشوار جلوه می دهد و بايد هم چنين باشد، زیرا شعر كلام عاليست و كلام عالی بدون تفكر عميق نبايد تحليل شود. بهر صورت طوريكه ديده می شود درين بيت، پستی و بلندی در حال تقابل است و همچنين ناخن پا با مژگان تقابل دارد. در حين حال بلندی را به مژگان و پستی را به ناخن پا تشبيه فرموده و خامه را مُشبيه قرار داده است. و وجه شبه در اینجا تکميل شدن می باشد. يعنی پستی های كه در راه طلب مانند ناخن پا شامل حال من بود، مرفوع گرديد و كار من رونق پذيرفت و مُهمان چيزيكه حُكم ناخن پا را داشت حشيت مژگان را بخود گرفت. توضيح بيشتر اينكه: ناخن پا تا آن وقت دُچار پستی است كه پای در حال رفتار باشد و قطع مراحل نمايد ولی هيمنكه مراحل تمام شد و به منزل رسيد ناخن پا از پستی می برآيد، همچنين خامه تا زمانيكه مصروف نوشتن است دُچار پستی می باشد اما وقتيكه نوشته تكميل گرديد قلم از پستی خارج می شود، علاوهً نوشته تكميل شده جهت مُرور و مطالعه مانند مژگان در برابر چشم قرار می گيرد. بعبارت ديگر چون پا از طلب فارغ گرديد پستی از ناخن پا رفع می شود و وقتی كه پستی رفع شد بلندی برای وی ميسر می گردد و حُكم مژگان را پيدا می كند زیرا مژگان چيزيست كه در آستانۀ ديد قرار دارد.

حاصل بيت اينكه: ماداميكه عارف در راه طلب است مانند ناخن پا، خامه وار دُچار پستی است و زمانی كه به منزل رسيد يعنی تكميل شد مثل مژه در برابر چشم قرار می گيرد و پستی او به بلندی مبدل می شود، چنانچه برای اين عارف بزرگ همين مقام تكميل حاصل گرديده و در بيت فوق به آن اشاره فرموده است.

ادامه دارد...

ماه و من

ز افسون خودی بگذر اگر آبی به رو داری
كه غير از نارسایی ها كدامين رنگ و بو داری
سلامت گر همی خواهی چرا اين های و هو داری
سر خجلت اگر گاهی به جيب خود فرو داری
ز گلزار جهان ديگر چه رنگی جستجو داری
بساط مهر برپا كن اگر جام و سيو داری
كه از سوز درون سپنه آهی در گلو داری
ز خود فارغ نگردیدی چسان آهنگ او داری
كه اوج آسمانی در خم يك تار مو داری

ز اسباب تعلق در حريم دل مزن حرفی

(مدد) آيينه شو گر وصل جانان آرزو داری

غلام حيدر مدد از شهر روتردام - هالند

به حرف ماه و من تا کی زبان گفتگو داری
سری خم کن به زاتوی ادب بر حال خود بنگر
رموز عافيت غلطيده در دامان خاموشی
شود از بارگاه کبريایی مدعا حاصل
دلی داری اگر با داغ الفت آشنا گردان
تكلف می شود سرمایه اسباب رسوایی
اجابت ناز بردار نياز دل شود آندم
گرفتاری به افسون هوای نفس و خودخواهی
بلندی آرزو كردن شكست خویش ميخواهد



اعضای دارالانشاء از راست به چپ: محرم نبی هوتک، محرم احمد راتب فقیری و محرم عتیق بارکزی

آيينه

مدیر مسوول: احد عزیززاده

دیزاین: علی موسوی

کمپیوتر: حسیب الله یاری

آيينه زیر نظر هیأت تحریر هر دوماه به نشر میرسد. مطالب و مضامین نشر شده در آيينه الزاماً نظریات فدراسیون انجمن های پناهندگان افغان در هالند را ارائه نمی کنند. آيينه از نشر مضامین وارده که بدون نام نویسنده باشد معذرت می خواهد.

آيينه در ویرایش مطالب رسیده مطابق به مشی نشراتی خویش آزاد است.

آدرس مکاتباتی آيينه

AIENA
Postbus 1382
3500 BJ UTRECHT
NEDERLAND

وجه اشتراك سالانه

در هالند و اروپا: ۲۵ گلدن و یا معادل آن

خارج از اروپا: ۱۵ دالر امریکایی

قیمت تک شماره: ۲ گلدن و یا معادل آن

شما می توانید وجه اشتراك تانرا به شماره پست بانک (۸۳۱۸۰۷۷) فدراسیون انجمن های پناهندگان افغان در هالند انتقال بدهید.

Giro: 8318077
T.n.v. FAVON - UTRECHT

ترکیب مطبوع و متنوع این اجلاس افغانستان واحد را به روشنی تمثیل می نمود، شایان ذکر است به دلیل اجتناب از دعوت محافل و چهره های شناخته شده ای سیاسی کار اجلاس با تفاهم کامل و بدون هیچگونه مانع تا روز آخر سیری شد و این تجربه را به ارمغان آورد که اگر فارغ از مداخله سیاسیون به معنای خاص آن مردم افغانستان فرصت یابند خود عنان سرنوشت شانرا بدست گیرند. نظیر این اجلاس تاریخی دشواریهای کنونی را به سادگی از سر راه بر میدارند و وجود یکپارچه و واحد خویش را به حیث یک ملت نامدار باز می یابند.

تشکیل میدهند. طی ۲۳ سال اخیر، مظالم و اختناق گوناگونی که در افغانستان حاکم بود، این قشر آگاه را تحت فشار غیر قابل تحمل قرار داده و حقوق انسانی شانرا پایمال نموده است. همین وضع یعنی نقض صریح حقوق بشر در افغانستان باعث رو آوردن پناهنجویان افغان به اروپا شده است. بناً برخورد با این پناهندگان باید با معیار های درخور یک پناهنده سیاسی باشد نه پناهنده اقتصادی.

۵- اجلاس مؤسس فدراسیون پناهندگان افغان مقیم اروپا نگرانی عمیق خود را در مورد اخراج جمعی غیر داوطلبانه و قهری مهاجرین افغانستان توسط دول ایران و پاکستان به خاک افغانستان، به جامعه بین المللی و بخصوص سازمان ملل متحد ابراز نموده از کمیشنری عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNCHR) جداً تقاضا می کند تا از ماهیت غیر داوطلبانه و قهری این اخراج ها پرده برداشته و توجه سازمانهای حقوق بشر بخصوص سازمان عفو بین المللی و سازمان دیدبان حقوق بشر را به این موضوع جلب نماید.

۶- اجلاس مؤسس فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا از جامعه بین المللی و بخصوص از کیساری عالی ملل متحد در امور پناهندگان تقاضا مینماید تا حقوق پناهندگی افغان ها را در اروپای شرقی و کشورهای آسیای میانه عطف توجه کرده اقدامات مشخص را در زمینه حمایت از آنها روی دست گیرد.

۷- موجودیت عده معدود از عناصر دارنده مقامات عالی تصمیم گیری و افسران دستگاه های استخباراتی رژیم های بدنام بیست و سه سال اخیر در میان پناهندگان افغان باعث صدمه زدن به اعتبار و شهرت نیک پناهندگان افغان در اروپا و تعلل مقامات عدلی کشورهای اروپایی در قسمت تعیین سرنوشت هزاران پناهنده بیگناه افغان شده است.

اجلاس ایجاد فدراسیون از مراجع عدلی اروپایی و بین المللی، بخصوص محکمه عالی هاگ که وظیفه تعقیب جنایات جنگ و موارد نقض حقوق بشر را به عهده دارد، تقاضا مینماید تا مرتکبین واقعی جنایات جنگی و ناقضین حقوق بشر را که طی ۲۳ سال گذشته و جریان جنگ فعلی در افغانستان مسوول جنایات علیه انسان و بخصوص ملت افغان هستند شناسایی نموده همچو جانیان در بالکان به محاکمه بکشانند.

بقیه از ص ۱

فدراسیون اروپایی...

این رویداد تاریخی که از نوع خود بی نظیر بود یکبار دیگر ثابت ساخت که اگر ملت افغان اراده اش را برای برآمدن از مشکلات و نابسامانی های کنونی بکار گیرد، این توانایی را دارد تا عنان سرنوشت اش را در یک قاعده وسیعتر نیز بدست گیرد.

با توجه به تعاملات و ناهمواری های گذشته، فضای اجلاس مؤسس فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا از ویژگی خاص برخوردار بود. فضا آکنده از حسن اعتماد و تفاهم ملی بود، نمایندگان و شخصیت های حاضر در اجلاس بطور یکپارچه بر ضرورت وحدت ملی، تمامیت ارضی و حفظ و حراست از میراثهای مشترک فرهنگی تأکید داشتند.

بسم الله الرحمن الرحيم قطعه نامه اجلاس مؤسس فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا

هالند، ۲۹ سپتمبر الی اول اکتوبر ۲۰۰۰

۱- فدراسیون انجمن های پناهندگان افغان در اروپا وظیفه دارد تا بحیث مرجع معتبر انسجام و سخنگوی افغانها در سیاست پناهندگی در اروپا به نفع افغانهای پناهنده و پناهجو تأثیر مثبت وارد آورده و بحیث طرف ذیصلاح با مقامات دولتی و سیاسی اروپا داخل مذاکره گردد. فدراسیون همچنان، در جهت تشویق و عملی ساختن مشارکت فعال افغانها در سطوح مختلف جوامع اروپایی نقش تعیین کننده و قابل ملاحظه ایفا خواهد نمود.

۲- از کلیه کشورهای اروپایی که در آنها پناهندگان افغان ساکن هستند و به ویژه اتحادیه اروپا خواستار آن هستیم تا با در نظر داشت حقوق و کرامت انسانی حق پناهندگی را به عنوان حق فردی و حمایت از پناهنده را به عنوان جزئی از حقوق بشر محترم شمرده و به اوضاع فاجعه بار افغانستان توجه داشته باشند.

۳- اجلاس مؤسس، گروه عالی کار برای افغانستان High Level Working Group On Afghanistan را مخاطب قرار داده هشدار میدهد که پلان های اسکان منظوقی پناهجویان افغان در کشورهای همسایه، بخصوص پاکستان، ناقض صریح حقوق بشر و فاقد دوراندیشی سیاسی بوده و منجر به حوادث فاجعه آمیز بشری برای پناهجویان افغان خواهد شد. اجلاس مؤسس تأکید مینماید



جریان رای دهی روی قطعه نامه اجلاس مؤسس فدراسیون

که پاکستان هیچگاه برای پناهندگان سیاسی افغان کشور امن نبوده و بخصوص که حلقه های حاکم در افغانستان از پشتیبانی همه جانبه دولت پاکستان برخوردار می باشد و خطر جدی برای امنیت پناهندگان افغان در آن کشور محسوب میگردد که بطور قطع نمیتوان از دولت پاکستان امید حمایت از پناهندگان افغان را داشت. اجلاس مؤسس توجه گروه عالی کار برای افغانستان را به این واقعیت جلب مینماید که پاکستان و ایران در لیست سیاه سازمان عفو بین المللی و سایر سازمانهای حقوق بشر قرار دارند و بناً حتی برای اتباع خود این کشور ها امن تلقی شده نمیتوانند تا چه رسد برای پناهنده سیاسی افغان.

۴- پناهندگان افغان در اروپا را عمدتاً قشر تحصیلکرده

به تمام حلقات افغانی، اتحادیه اروپا، دول عضو این اتحادیه، احزاب، پارلمان ها و مؤسسات مدافع حقوق بشر و ارگان های غیر دولتی در سراسر قاره اروپا اطلاع میدهم.

مصوبات اجلاس مؤسس فدراسیون

سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا

ما اعضای شرکت کننده در اجلاس مؤسس فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان مقیم اروپا که از کشورهای هالند، آلمان، فرانسه، انگلستان، سوئیس، سوئد، ایتالیا، اتریش و بلجیم به کمیته دو ثلث نهاد ها (۴۳ نهاد) و یک ثلث نمایندگان اقشار درین اجلاس گرد آمده ایم با اتفاق آراء مواد ذیل را به تصویب می رسانیم: